



# مذکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یکشنبه ۲۹ آبان ۱۳۰۵ مطابق ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۴۵

۳۱

غائبین با اجازه — آقایان: میرزا عبدالباقی جمشیدی  
مازندرانی — حاج میرزا حبیب‌الله امین — علی‌خان اعظمی —  
آقاسید حسن مدرس — طباطبائی دیبا.

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین  
تشکیل و صورت مجلس سه شنبه بیست و چهارم آبان ماه قرائت  
و تصویب شد.

غائبین بی اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی - سیرزا ابراهیمخان قوام - محمد هاشم میرزا افسر.  
دیرآمده با اجازه - آقای: حاج حسن آقاملک.  
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: فیروز میرزا فیروز - مرتضی قلیخان بیات - حاج شیخ بیات - سیرزا حسینخان پیرنیا.  
آقای احتشامزاده راجع بلزوم حفظ عجزه و فقراء شرحی تقریر و تقاضا نمودند بدولت تذکر داده شود مبلغی از اضافه عایدات طرق و شوارع از طرف وزارت مالیه به بلدییه داده شود که عجزه و فقراء را جمع آوری نموده و وسائل آسایش آنها را در این فصل زمستان فراهم نمایند.

آقای حاج آقارضا رفیع راجع به حبس عدّه از تجار ایرانی در بادکوبه و لزوم اقدام عاجل از طرف دولت در این موضوع و اقدام در اختتام انتخابات گیلان شرحی اظهار و یک فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی بیست روزه آقای عدل قرائت و نسبت به آن رأی گرفته تصویب شد.

خبر شعبه اول سابق راجع به نمایندگی آقای آقا سیرا حسنخان وثوق مطرح و آقای دشتی شرحی مشعر به عدم صلاحیت ایشان برای نمایندگی مجلس شورای ملی اظهار و آقای فاطمی مخبر شعبه شرحی دفاعاً تقریر نموده و نسبت به راهبورت مزبور اخذ رأی شده نمایندگی ایشان تصویب گردید.

آقای رئیس اظهار نمودند لایحه اتوبوس رانی که در جلسه قبل جزء دستور معین شده بود و نقایصی دارد و لکن خبر به کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی حاضر است چنانچه مجلس موافق باشد جزء دستور شود.

آقای دادگر اظهار مینمودند نظر به اینکه طرز انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون داخله بین اعضاء کمیسیون مورد اختلاف واقع شده بهتر این است این موضوع فعلاً جزء دستور نشود تا قضیه مختلفیه حل شود و بالاخره برای اینکه خبر مزبور جزء دستور شود رأی گرفته تصویب و در ضمن شور کلی آقای فیهی مخالف بوده و اظهار مینمودند در این قانون بطور کلی سناطلی قید شده که با وضعیت فعلی سملکت متناسب نبوده و از طرف دیگر بعضی مسائل لازمه از قبیل تعیین حوزه های بلدییه و وظائف هیئت شوروی و هیئت اداری بلدییه ها در این قانون معین نشده و بالاخره قابل اجراء نخواهد بود.

آقای آقا سید یعقوب اظهار مینمودند این مسأله سبب مخالفت نمی تواند بشود و بدیهی است در ضمن شور هر یک از آقایان نظریه داشته باشند ممکن است پیشنهاد نمایند و قانون اصلاح شود.

ورود در شور سواد تصویب و در ماده اول آقای شریعت زاده نیز مختصری مشعر بلزوم تجدیدنظر در این قانون و ارجاع به کمیسیون تقریر و آقای شیروانی اظهار نمودند فعلاً شور اول است و طبعاً به کمیسیون ارجاع خواهد شد و لازم است اصلاحاتی که به نظر آقایان میرسد پیشنهاد و در کمیسیون اصلاح شود.

آقای فیهی مجدداً در تعقیب اظهارات سابقه خود و آقای معاون وزارت داخله توضیحاً شرحی تقریر و چند فقره اصلاح از طرف

آقایان بهبهانی - شیروانی - یاسائی - اسامی - عصر انقلاب و ساگینیان پیشنهاد و به کمیسیون ارجاع شد.

در ماده دوم آقای یاسائی عقیده شان این بود مناقشات صنفی که در قسمت چهاردهم ماده ذکر شده توضیح داده شود که در آتییه بین وظائف بلدییه و عدلیه اصطکاک واقع نشود.

آقایان: حائری زاده - معاون وزارت داخله - شیروانی - فاطمی و احتشام زاده اظهار مینمودند مناقشات صنفی معین است از چه قبیل اسوری است و مربوط به امور حقوقی نخواهد بود.

آقای شریعت زاده عقیده شان این بود در ضمن عمل برای تسویه امور صنفی محکمه اختصاصی تشکیل شود.

آقای آقا سید یعقوب در قسمت پنجم ماده شرحی راجع بلزوم رعایت اصل مالکیت خصوصی تقریر و آقای معاون وزارت داخله اظهار نمودند بدیهی است این مسأله همیشه رعایت شده و بعد هم خوانده شد.

چهار فقره اصلاح از طرف آقایان: یاسائی - آقا سید یعقوب - فیهی و مهرانجان ساگینیان قرائت و به کمیسیون ارجاع شد.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله بیست دقیقه مجدداً تشکیل و در ماده سوم قانون فوق الذکر آقای یاسائی عقیده شان این بود بعد از اسوال غیر منقول سند رجح در ماده، کلمه عمومی اضافه شود و آقای آقا سید یعقوب اساساً ماده را زائد دانسته و آقای حائری زاده اظهار مینمودند مقصود نظارت بلدییه است که بتواند وسائل حفظ الصحه و آسایش اهالی را فراهم کند.

آقای شیروانی نیز مخالف بوده و آقای احتشام زاده اظهار مینمودند بدیهی است مقصود اسوال متعلق به شهر است چنانچه در ماده هم قید شده و هیچ اشکالی ندارد.

آقای ضیاء مخبر کمیسیون اظهار نمودند این ماده عیناً در قانون مصوب بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری ذکر شده و مادام که این قانون نسخ نشده این ماده به قوه خودش باقی است.

نه فقره پیشنهاد از طرف عدّه از آقایان نمایندگان قرائت و به کمیسیون ارجاع شد.

در ماده چهارم آقای یاسائی عبارت ماده را با قانون الغاء نواقط و باج راهها متضاد تصور نموده و آقای حائری زاده اظهار مینمودند قانون گذشته مادام که ملغی نشده به قوت خود باقی است و با این ماده هم منافاتی نخواهد داشت.

در ماده پنجم و ششم و هفتم مختصر مذاکره بعمل آمده و بقیه مذاکرات به جلسه دیگر موکول شد.

آقای وزیر معارف دو فقره لایحه راجع به کنترات دو نفر از معلمین مدرسه حقوق تقدیم و به کمیسیون بودجه و معارف و خارجه ارجاع گردید.

آقای مرتضی قلیخان بیات شرحی راجع به تخصیص صد نیم مالیات ارضی برای تأسیس مدارس ابتدائی ولایات اظهار و از آقای وزیر معارف سؤال نمودند آیا وجوه مزبور وصول شده یا خیر؟ و ترتیب آن چگونه بوده و مدارس چه وقت افتتاح خواهد شد؟

آقای وزیر معارف اظهار نمودند در این خصوص با رئیس

دستور آن قانون بلدی و لایحه اتوبوس رانی در شهر طهران و به شمیران مقرر و مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد.

آقای عدل تذکر داده اند که در صورت مجلس مرخصی ایشان بیست روز قید شده و حال آنکه بیست و پنج روز بوده است. آقای رئیس فرمودند اصلاح میشود.

نسبت به صورت مجلس دیگر مخالفی نبود و تصویب گردید. سه شنبه اول آذرماه ۱۳۰۵.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمدتدین (سنشی: سید ابراهیم ضیاء) (سنشی: سیرزا حسین خان موقر)

### صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و نهم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۴۵

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

صورت مجلس روز سه شنبه بیست و چهارم آبان ماه را آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند.

رئیس - آقای احتشام زاده. (اجازه)  
احتشام زاده - قبل از دستور.

رئیس - آقای رفیع. (اجازه)  
حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور.

رئیس - آقای عباس میرزا. (اجازه)  
عباس میرزا - بعد از تصویب صورت مجلس.

رئیس - آقای دولتشاهی. (اجازه)  
دولتشاهی - قبل از دستور.

رئیس - نسبت به صورت مجلس مخالفی نیست؟  
(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده - بنده تصمیم داشتم معنی المقدور سعی کنم از نطق قبل از دستور استناده نکنم. برای اینکه تضييع اوقات نمایندگان محترم نشده باشد. ولی چون یک مسأله این روزها در جریان است و نظر به اطلاعاتی که از حیث وضعیت فقرا در شهر طهران در این موقع زمستان دارم بنده را وادار کرد که خاطر نمایندگان محترم را به اوضاع رقت آور فقرا مخصوصاً عدّه که از دهات در این موقع زمستان بواسطه عدم وسائل زندگانی مجبوراً به شهر حمله می کنند مستحضر کنم. وضعیت فقرا در زمستان فوق العاده بدست، همه ساله اولیای امور بلدییه و حکومت اقداماتی می کردند و به یک وسایلی که شاید خوب هم نبود آنها را نگاهداری میکردند. به این معنی که یک اعانه هائی که در نتیجه اجبار بود وصول و جمع آوری میشد و بالاخره باز بخرج بلدییه و بخرج دولت فقراء را جمع آوری میکردند. امسال هم بیچاره ها با کمال سختی و بیچارگی در شهر پراکنده هستند. بنده چند روز قبل یک عدّه فقرای بیچاره را دیدم که پریشان حال و بایک وضعیت رقت آوری

در خیابانها و کوچه ها و کاروانسراها افتاده اند که حقیقتاً هر ناظری را برقت می آورد. و خیلی هم تشکر می کنم با اینکه بلدییه بودجه اش کفایت نمی کرد ولی برای اینکه تذکری داده شده بود به نسیه نان برای آنها تهیه نموده و آنها را یک قدری جمع آوری کرده. ولی البته این عدّه، عدده خیلی کمی است که بیشترشان هم فعلاً در شهر با حال پریشانی بسر میبرند و شاید در آتییه یک عدّه زیادی هزار نفر - هزار و پانصد نفر - دو هزار نفر از اطراف از فرط بیچارگی و فقدان وسایل زندگانی بیایند به شهر و باید ما برای آنها فکر بکنیم و راهی که به نظر ما رسید این بود که تناضمانیم از هیئت دولت که یک مساعدتی با بلدییه بکنند و از محل اضافه عایدات راه بابت سه هزار و سیصد و شش یک قرضی وزارت مالیه به بلدییه بدهد بطوریکه بلدییه قادر باشد فقرا را جمع آوری کند. بنده نه از نقطه نظر اینکه نماینده هستم و وظیفه نمایندگی سرا و ادار کرد که یک عرضی بکنم. خیر، بلکه حس انسانیت و اسلامیت مرا ناگزیر کرد که این عرایض را اینجا عرض کنم و امیدوارم از طرف آقایان نمایندگان یک توجیحی در این موضوع بشود تا یک درجه وسایل آسایش فقراء فراهم شود.

رئیس - آقای رفیع. (اجازه)  
حاج آقا رضای رفیع - اخیراً تلگرافاتی از تجار گیلان برای اغلب آقایان رسیده است راجع به موضوع حبس چند نفر از تجار ایرانی در بادکوبه (بعضی از نمایندگان - صحیح است) با آن موافقت نظری که مابین دولت ایران و روسیه حاصل است و با نظر اصلاحی که بین ملت ایران و ملت روسیه است گمان میکنم این مسائل خیلی مسائل غیر منتظره باشد (صحیح است) و من خیلی خوشوقت هستم که از طرف مقام ریاست اقداماتی شد ولی استدعا میکنم در تعقیب اقدامات به هیئت دولت تذکر بدهند و از راههایی که خودشان بهتر میدانند داخل در یک مذاکراتی بشوند که برای استخلاص آنها یک اقدامات عاجل سرعی بشود و البته این آقایان هم باید بدانند در این موقع که ملت ایران مخصوصاً آذربایجان و گیلان حاضرند که با یک آغوش بازی اتحاد تجارتنی خودشان را مستحکم نمایند (آقا سید یعقوب - همیشه باز بوده

است) البته آنها هم خیلی باید با تجار مساعدت نمایند (صحیح است) عرض دیگر بنده راجع به انتخابات گیلان است که اغلب از آقایان نمایندگان محترم اطلاع حاصل کرده‌اند که اوضاع آنجا چیست. برای اینکه یک جمعیت ده بیست هزار نفری (تقریباً تمام اهالی رشت) حاضر شده‌اند در تلگراف‌خانه و تمام با فریادهای زنده باد اعلیحضرت شاهنشاهی — زنده باد مجلس شورای ملی با یک ستانته عرایض خود را به مجلس شورای ملی رسانیده‌اند. استدعا می‌کنم به هیئت دولت تذکر داده شود یک ترتیبی بدهند که موافق قانون انتخابات آنجا جریان پیدا کند گرچه اعزام مفتش گمان نمی‌کنم قانونی باشد و در قانون سایته ندارد...

آقای سیدیمتوب — غلط است آفاق می‌خواهند یک پولی بدهند. حاج آقا رضای رفیع — حالا به آن کار ندارم فقط استدعا می‌کنم به هیئت دولت تذکر داده شود که مطابق درخواست آنها دستور داده شود انتخابات را از روی قانون و با کمال بی‌طرفی انجام بدهند. حتی در یکی از روزنامه‌هایشان نوشته بودند که ما حاضریم آقای سرتیپ فضل‌الله‌خان (چون در آنجا خوب رفتار کرده است) در انتخابات نظر کند. حتی نوشته‌اند آن پیشکار مالیه امریکائی که در آنجا هست و نوکر دولت است و با کمال بی‌طرفی رفتار میکند به او بگویند نظارت کند. خلاصه غرضشان این است که انتخابات از روی بی‌طرفی خاتمه یافته، و فقط یک آدم بی‌غرضی ناظر در امر انتخابات باشد، در هر صورت خواهش می‌کنم دولت در این باب هم اقدام سریعی بکنند.

جمعی از نمایندگان — دستور.

رئیس — خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی بیست و پنج روزه آقای عدل، کمیسیون هم تصویب کرده است، قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

آقای عدل نماینده محترم آذربایجان از مقام منبع ریاست مجلس مقدس برای زیارت استان مقدس حضرت ثامن الائمه علیه السلام بیست و پنج روزه مرخصی درخواست نمودند. کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس — رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه تصویب می‌کنند قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد. خبر شعبه اول سابق راجع به نمایندگی آقای میرزا حسنخان وثوق مطرح است. \*

آقای دشتی — امروز صبح قبل از اینکه به مجلس بیایم یکی از رفقا به بنده رسید و گفت اگر هفت سال قبل آقای وثوق الدوله شمارا تبعید کردند لازم نیست امروز مخالفت نمائید. احتمال کلی هم میدهم که این سوءظن در خیلی‌ها باشد که تصور کنند چون ایشان بر حسب یک نظریاتی بنده را تبعید کرده‌اند بنده هم از این لحاظ با ایشان مخالفم و حالا موقع را مغتنم می‌شمارم و در حضور تمام آقایان نمایندگان محترم خداوند را به شهادت می‌طلبم که نسبت به آقای میرزا حسنخان وثوق ابداً غرض شخصی ندارم و به هیچ وجه

حکومت مرکزی حمله کردن قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی نیست. عدم اعتناء به مبادی مشروطیت، پامال کردن حقوق اساسی، اینها اگر قیام بر ضد حکومت ملی نباشد اقلاً اقدام بر علیه حکومت ملی هست و آقای وثوق الدوله در زمان تصدی خودشان از این قبیل اقدامات خیلی مرتکب شدند. در زمان تصدی آقای وثوق الدوله هر کسی که سلیقه سیاسی ایشان را نمی‌پسندید و یا سیاست ایشان مخالف بود یا باید بکاشان و قزوین و سایر نقاط دور دست تبعید شود یا اینکه درب سیاه‌چالهای نظمی بروی آنها گشوده شود!! آزادی مسکن که یکی از مصدحات قانون اساسی است و در زمان زمام‌داری آقای وثوق الدوله بکلی چیز لغوی شده بود و هر کس را مخالف مسیر خودشان میدیدند، تبعید و حبس میکردند. بنده تصور نمی‌کنم در هیچ مملکت وحشی و هیچ قانون ظالمانه‌ای به یک نفر زمامدار اجازه بدهد که فقط سلاک تبعید و حبس اشخاص مخالفت با سلیقه و سیاست او باشد نقطه نظر سوم بنده این است که باز در قانون صریح است که اشخاصی نمیتوانند وکیل شوند که به فساد اخلاق معروف نباشند. البته فساد اخلاق مفاهیم زیادی دارد یعنی مفهوم خیلی وسیعی است که مصادیق بی‌شمار دارد ولی بنده تصور می‌کنم نقطه نظر شارع قانون اخلاقی است که مستقیماً با مصالح اجتماعی مملکت تماس کند والا اخلاق خصوصی شخصی آنقدر اهمیت ندارد و بیشتر اخلاقی که با انتظامات عمومی و اجتماعی تماس می‌کند آن اخلاق منظور نظر شارع قانون بوده است. راجع با آقای وثوق الدوله در این باب خیلی حرف زده شده و متأسفانه یادداشت‌هایی هم که بنده در این باب داشتم همه را اول کرده‌ام و فقط یک مورد را اعتراض می‌کنم و آن مسئله ارباب جمشید است، ارباب جمشید مدعی مالکیت یک سلکی بوده موسوم به سردآباد، آقای وثوق الدوله صد و پنجاه هزار تومان یا صد و پنجاه و دو هزار تومان از خزانه دولت برداشتند که این ملک را برای دولت بخرند طلب کارهای ارباب جمشید هم بعد از آنکه شنیدند ارباب جمشید صد و پنجاه و دو هزار تومان پول گیرش آمده آمدند سر وقتش ولی چیزی عایدشان نشد و معلوم شد از این صد و پنجاه و دو هزار تومان فقط پنجاه هزار تومان بدست ارباب جمشید رسیده‌وسی و هفت هزار و پانصد تومان خود آقای وثوق الدوله برداشت کرده و مابقی هم بین عده دیگر غریبا شده است. در زمانیکه آقای وثوق الدوله در فرنگ بودند دوستی هم احضاریه برای ایشان رفته و این هم یک قضیه نیست که هو و جنجال درش باشد یک مسئله ایست که در عدلیه سابقه دارد و ممکن است الان از عدلیه تحقیق بشود شاید در بانک ایران هم سابقه‌اش باشد. از این جاها مسکن است تحقیق نمائید. نقطه نظر چهارم بنده مسئله قرارداد است، بنده وارد نمیشوم که قرارداد بد بود، هیچ در این باب حرف نمیزنم چون ممکن است بگویند که صلاح مملکت در این بوده و مقتضی اینطور بوده است که این قرارداد بسته بشود. البته خود این مسئله هم محل بحث است یعنی میشود در آن حرف زد که مصالح مملکت مقتضی نبود و البته اگر بایستی یک قراردادی هم بسته شود بایستی طوری باشد

که بصلاح و خیر مملکت و نسبتاً سلام باوضاع اجتماعی ملت باشد معذک بنده وارد در این قضیه نمیشوم و بقول آقای وثوق الدوله تسلیم میشوم و تنزل میکنم و میگویم خیلی خوب اوضاع سیاسی و موجبات آن زمان این اقتضا را داشت که این قرارداد باین شکل حاضر و با این شرایط بسته بشود. فقط بنده در این جا دونقطه نظر دارم که عرض میکنم. یکی اینکه در این قرارداد و اجرای آن چرا تعجیل کردند؟ در صورتیکه هر معاهده و هر قراردادی بدون اینکه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد از درجه اعتبار ساقط است و دویول هم ارزش ندارد و خودشان هم در بیانیه‌های خودشان این نکته را متذکر شدند که ما این قرارداد را البته بنظر مجلس خواهیم رسانید. و اگر مجلس تصویب کرد رسمی است و الاریسمی نیست. ولی با وجود همه اینها اولاً در افتتاح مجلس شورای ملی تسریع و کوشش نکردند و ثانیاً در مقام اجرای آن قرارداد برآمدند مثلاً بیک کمپانی خارجی گفتند که نقشه برداری بکنند برای راه آهن مملکتی (چون یک قسمت از مواد قرارداد او راجع براه آهن بود). حتی آن کمپانی هم آمد و نقشه هم برداشت و الان هم صد و پنجاه هزار لیره دعوی واهی دارد. و حالا بان قسمت کار ندارم، البته دعوی واهی است مستشار مالیه آوردند، سرپرست برای نظام آوردند و در واقع روی هم رفته اینطور بنظر میرسید که میخواسته‌اند مجلس چهارم را در مقابل یک کار تمام شده قرار بدهند. یعنی این کارها را تمام بکنند بعد که مجلس باز شد بگویند خوب کاری است تمام شده و یک ماست مالی بشود و بیود بی کارش. مقصود این است این مسئله از نقطه نظر یک دیپلمات نبود که بهینند اوضاع مملکت مقتضی است امروز قراردادی بسته شود و بعد از دو سال هم آن قرارداد از بین برود. خیر اینطور نمی‌خواستند بکنند، میخواستند این قرارداد با تمام موادش قبلاً در مملکت اجرا شده باشد!! نقطه نظر دوم بنده در مسئله قرارداد راجع بیک صدوسی هزار لیره است که اگر چنانچه اوضاع دنیا ایجاب میکرد و اگر سیاست بین‌المللی مقتضی بود که دولت ایران با یک دولت خاصی توافق نظری حاصل نماید قراردادی باین شکل و این ترتیب به بنده؟ خوب. آنوقت این صدوسی هزار لیره در این بین چه میگوید! چه عنوان از عناوین را دارد؟ اگر سال دولت ایران بوده چرا اصلاً جزو مواد قرارداد نیست؟ یعنی اگر جزو مواد قرارداد بود معلوم بود همچنانکه این طرف یک تعهداتی دارد و آن طرف هم یک تعهداتی دارد، یکی از تعهداتهم این است که آنطرف هم صد و سی هزار لیره پول بدهد پس اگر این طور است چرا جزو قرارداد او نیست؟ مراسله ضمیمه هم که این قسمت صدوسی هزار لیره را تأیید نمی‌کند؟ و این مسئله هم ابداً مکشوف نشد و کسی هم متعاقب آن حرف نزد هیچ کس هم در آن باب اطلاعی حاصل نکرد مگر بعد از آنکه کابینه آقای مشیرالدوله افتاد و کابینه سپهدار آمد روی کار و مستر نرمان سفیر انگلیس مراسله رسمی نوشت به سپهدار و در نتیجه نوشتن آن مراسله کابینه سپهدار وارد در یک سلسله اقداماتی شد و تلگرافی با آقای وثوق الدوله مخابره شد (آنوقت در فرنگ تشریف داشتند) بعد از آنکه این تلگراف سپهدار

بایشان رسید تلگرافی از ایشان بکابینه رسید و یک تلگراف هم از لرد کزن سفیر خودشان در ایران رسید که موادش را برای سپهدار فرستادند. سفاد هردو تلگراف این بود که چون تجارتخانه طومانیان در شرف ورشکست بود و حیف بود که این تجارتخانه از بین برود از این جهت من سهم خودم را که دو بیست هزار تومان بود بایشان دادم و در مقابل اسلاک مازندران طومانیان را برای دولت برداشتم و خریدم پس معلوم میشود که این پول بطور حتم گرفته شده است و معلوم هم شده است که این پول بعنوان و بنام دولت ایران گرفته نشده است و بنام شخصی خودشان بوده است. و بنده مستحیرم که حقیقتاً این پول و این مبلغ چه عنوانی را داشته است؟ چون که جزو قرارداد نبوده. جزو مراسله ضمیمه هم که نبوده است. قرارداد هم که مسئله تجارتی و امتیاز نبوده است که بگوئیم این پول حق دلالتی بوده است. علاوه بر اینها چرا تقسیم کرده اند؟! اگر این پول مال دولت ایران بود چرا تقسیم کردند؟ از همه اینها گذشته دولت ملک میخواهد چه بکند؟! دولت خالصجات خودش را نمی تواند اداره بکند ملک میخواهد چه کند؟ بعلاوه چرا این ملک را در دفتر خالصجات دولتی وارد نکردند؟! بعد از آن که تلگراف سپهدار در فرنگستان بایشان رسید آنوقت جواب دادند که ملک خریدم بالاخره آنهم سابقه اش در کابینه ریاست وزراء است ممکن است بخواهید و تحقیق نمائید. اینها هوو جنجال و پرت و پلا گفتن نیست مسائلی است که در کابینه ریاست وزراء سابقه دارد. بخواهید و رسیدگی نمائید روی هم رفته عرایضم را باینجا خاتمه میدهم و تصور هم میکنم بوظیفه وجدانی خودم همینقدر که تذکر داده ام عمل کرده باشم و استدعائی که از مجلس دارم این است که تحقیق کنند اگر حقیقتاً این قضایا دروغ است؟ چرا این همه حرفهای مفت و بی ربط در اطراف یکی از رجال سیاسی مملکت که صفات ممتازه هم دارد زده شود و اگر هم راست است آنوقت معلوم شود تاچه اندازه راست است و چه در عمل شده و بالاخره باین صحبتها و کشمکشها خاتمه داده شود.

فاطمی سخبر شعبه - آقای دشتی نماینده محترم فرمودند که یک یادداشتی مفصلی کرده بودم ولی نظر به یک ملاحظاتی تمام آنها را بیان نخواهم کرد بعد در ضمنی که صحبت میفرمودند بنده دیدم چیز دیگری باقی نماند و هر چیزی را که در این مدت دیگران گفته بودند ایشان بطور خلاصه در ضمن چهار فقره اظهار فرمودند. اول فرمایشی که کردند راجع به این بود که آقای وثوق الدوله در زمان زمام داری شان مرتکب جنحه و جنایت شده اند؛ بله ما هم تصدیق داریم که ایشان در زمان ریاست وزرائی شان نایب حسین کاشی ماساء الله خان دزد و پهلوان رضای کاشی و از این قبیل اشرار دزد چپوچی و غارتگر را که اسباب زحمت برای تمام این مملکت شده بودند بدار زدند و بنده شخصاً نسبت بشخص خودم عرض میکنم خوب کاری کردند بلکه یکی از خدمات برجسته ایشان در زمان ریاست وزرائی شان این بود که این قبیل اشخاص را معدوم کردند و مملکت را از چنگال آنها رها نمودند. (بعضی از نمایندگان - صحیح است) فرمودند که نمیشود بدون

قانون حتی به قتل این قبیل اشخاص مبادرت کرد و مجازاتشان نمود. بنده هم کاسلا موافقم ولی در آنموقع اگر ملاحظه میفرمودید میدیدید که ما یک قانون مجازات عمومی نداشتیم و چون در آن موقع مجلس شورای ملی هم نبوده باز ایشان برای اینکه کارشان را شبیه بصورت قانون کرده باشند یک نظامنامه مجازات عمومی در همان موقع در کابینه خودشان تنظیم کردند که باز هم از روی همان نظامنامه این قبیل مجازاتها را اعمال نمایند که بیشتر شبیه به قانون باشد و آنوقت هم هیچ قانون مجازات عمومی در مملکت نبود که ما بتوانیم اعتراض بکنیم که چرا برخلاف آن قانون عمل شده است. البته یک مدت خیلی خیلی است یعنی از چندی پیش ما قانون مجازات عمومی داریم که هر کسی برخلاف آن عمل نماید مجازات میشود. فرمودند یکی از شرائط انتخاب شدن عدم قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی است ولی در این قسمت دلائلی ذکر نفرمودند و دلائلشان فقط راجع به همین اشراری بود که بعضی از آنها را توقیف و حبس یا اعدام کرده بودند. یکی دیگر راجع به افتتاح مجلس بود در صورتیکه ما میدانیم که در زمان ریاست وزرائی آقای وثوق الدوله مخصوصاً یکی از جدیتهائی که ایشان داشتند مخصوصاً افتتاح مجلس شورای ملی بود که در آن موقع با چه مشکلاتی تصادف میکردند معذک که در آن موقع با جدیت فوق العاده در انتخابات مملکت تسریع فرمودند و مشغول بودند و شاید تا موقعیکه ایشان رئیس الوزراء بودند نصف و کلا انتخاب شده بودند دیگر چیزیکه فرمودند راجع به فساد اخلاق بود و اینجا فقط دلیلی که ذکر فرمودند این بود که گفتند در این موضوع حرف خیلی زیاد است البته حرف در مقابل اشخاص ممکن است خیلی زیاد باشد ولی دلیلی که بایستی آقا اقامه فرمایند و خودشان هم آنرا قبول داشته باشند ذکر نفرمودند یعنی بنده که نفهمیدم.

دشتی - ارباب جمشید.

فاطمی - بلی راجع به سردآباد فرمودند که مردآباد ملکی بود مال ارباب جمشید که صد و پنجاه هزار تومان از دولت پول گرفته اند و بعد پنج هزار تومانش را به ارباب جمشید داده اند در صورتیکه بنده چیزی را که خود اطلاع دارم این است که سردآباد یک ملکی است که قریب هزار خروار جنس آنجا بود بنده نمیدانم چطور ممکن میشود این ملک را به پنج هزار تومان از ارباب جمشید بخرند؟

دشتی - صد و پنجاه و دو هزار تومان.

فاطمی - بعلاوه این ملک هم جزو خالصجات دولتی است و فرضاً که ارباب جمشید هم دعوی نسبت به آقای وثوق الدوله داشته باشد هیچ مربوط به صلاحیت ایشان در اینجا نیست. ارباب جمشید ممکن است بروی به عدلیه عرض حال بدهد عارض هم بشود و احضار هم برای آقای وثوق الدوله بفرستند و بالاخره محکوم علیه بشوند یا محکوم له ولی هیچ مربوط به صلاحیت و عدم صلاحیت یک و کیلی نیست و ممکن است همه ماها یک محاسبات شخصی با اشخاصی داشته باشیم. قسمت آخر مسأله قرارداد بود که چون این مسأله دو سه مرتبه در مجلس شورای ملی مذاکره شده و مفصلاً

هم سؤال و جواب شده بنده داخل این قسمت نمیشوم و مجلس هم تضوات خودش را در همان موقع کرد. راجع به پول هم که فرمودید اگر خاطراتان باشد در همان روزیکه آقای وثوق الدوله اینجا تشریف آوردند جداً تکذیب فرمودند پس در اینصورت اگر یک همچو پولی کسی میگوید به ایشان داده اند باید اول یک دلائل مثبتی نشان بدهد تا تکلیفش معلوم شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود بنماینده گی آقای میرزا حسن خان وثوق از طهران آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر راجع به اتوبوس رانی جزو دستور بود ولی چون نقایصی دارد حاضر نیست اگر آقایان موافق باشند قانون بعدی جزو دستور شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

دادگر - بنده عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

دادگر - خاطر محترم خود آقای رئیس مستحضراست که در کمیسیون داخله نظریاتی پیدا شد و این مسأله که به مجلس آمده مربوط به آن نظریاتست حالا اگر این لایحه را از دستور خارج بفرمایند شاید آن قضیه را ما حل کنیم والا موکول به رأی مجلس بشود و اگر هم از دستور خارج نمیشود بنده عرایضی دارم که باید عرض کنم.

رئیس - راپورت رسمی از طرف کمیسیون داده شده است.

دادگر - بنده دلائلی دارم که باید عرض شود اجازه میفرمائید عرض کنم؟

آقاسید یعقوب - بنده عرض دارم.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده بعد از ایشان عرض میکنم.

رئیس - (خطاب به آقای آقاسید یعقوب) مقصود آقای دادگر این است که جزء دستور نشود. مخالفتی که جزو دستور شود؟ آقاسید یعقوب - خیر.

رئیس - بفرمائید.

آقاسید یعقوب - بنده میخواهم به آقای دادگر عرض کنم شما میفرمائید جزو دستور نشود! حالا این راپورت به مجلس آمده است ما چکار کنیم؟! یک قانونی هم هست که الان هشت روز است طبع و توزیع شده است. حضرتعالی اگر مخالف هستید ممکن است تحت عنوان مخالفت فرمایشاتیکه دارید بفرمائید موافقین هم جواب میدهند.

دادگر - اجازه میفرمائید؟ بنده عرایضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

دادگر - عرض کنم حضور مبارک آقایان در این باب که بنده میخواهم بحث کنم فقط حمایت از قانون و منظورم اصلاح آست و هیچ نظری هم ندارم و آن کس هم که در این موضوع با بنده طرف است پیش بنده محبوب و خیلی طرف احترام است.

قانون باید از طرف کسی تقدیم مجلس شود که صلاحیت تقدیم را داشته باشد. کمیسیون داخله وقتی که منعقد میشود برای انتخاب هیئت رئیسه و بالاخره اسور داخلی آنجا نه نفر حاضر بوده اند از نه نفر رأی میگیرند و برای آنجا اشخاصی انتخاب میشود پنج نفر از نه نفر که اکثریت قطعی کمیسیون است، رأی میدهد بیک اشخاص دیگری، و این مسئله را تردید میکنند که باید تمام اعضاء کمیسیون حاضر باشند تا اکثریت من حضر از تمام اعضاء کمیسیون در انتخابات حاصل شود و تعمتی درش نمیشود و عمل هم میشود بعداً متذکر شدیم که این برخلاف قوانین و سابقه هر دو است این بود که هفت نفر از ما با اینکه مقتضی هم نبوده این مسئله به مجلس کشیده شود، ولی چون حمایت از قانون ایجاب کرد بنده این عرایض را عرض کردم و هفت نفر از ما یعنی از دوازده نفر اعضاء کمیسیون که این ورقه را امضاء کرده اند عقیده مان این است آن انتخابات اولیه. معتبر است. پس وقتی که ما این عقیده را داشته باشیم مخبر و هیئت رئیسه این کار معلق میشود یعنی غیر معلوم میشود یا معلوم میشود دیگری است بنابراین کسیکه این سمت را حائز نباشد نمیتواند راپرت را امضاء کند و این راپرت را هم تقدیم آقای رئیس میکنم تا تکلیف معلوم شود و بنده نمیخواستم این عرایض را بکنم حالا دیگر عرض شد. (ورقه بمقام ریاست تسلیم نمودند)

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بند میل نداشتیم بعضی چیزهائی که جنبه شخصی پیدا می کند در مجلس عنوان شود خصوص وقتی که طرفین قضیه بنده و آقای عدل الملک باشیم، خدا شاهد است بنده هیچ راضی نبودم ولی حالا ناچارم تاریخچه این قسمت را عرض کنم آنوقت استدعای خود را عرض کنم.

رئیس - اجازه میفرمائید؟ بند خیال میکنم مطرح شدن این موضوع در مجلس مقتضی نیست (نمایندگان - صحیح است) راجع باین قسمتها اگر اعتراضی هست بایستی به هیئت رئیسه مراجعه کرد اگر هیئت رئیسه قادر نشد صلاح دانست در مجلس مطرح شود آنوقت بیاید در مجلس. لیکن علی الاصول اعتراضی که آقای دادگر دارند باید رسیدگی شود. ولی وارد بر این راپرت است و این راپرت مقدم بوده است. بنابراین بعقیده بنده این راپرت باید مطرح شود آن قسمت هم رسیدگی شود (صحیح است) معذک که رأی میگیریم به اینکه جزو دستور شود آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اگر این لایحه هم مطرح نشود چیزی در دستور نداریم و باید جلسه ختم شود.

(عده دیگری نیز قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است. در کلیات کسی مخالف نیست؟ رأی میگیریم بورد در شور مواد.

فهیمی - بنده در کلیات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

فهیمی — در کلیات لایحه انجمن و اداره بلدی بنده بعد از مطالعه راپورت کمیسیون نظر موافقی پیدا نکردم. و مخصوصاً توضیحات آقای دادگر هم بیشتر بنده را در عقیده خودم ثابت کرد. و میخواستم عرض کنم آنطوری که لازم بوده است در این لایحه دقت کامل بعمل نیامده یکی از سواردی را که همیشه در ضمن اظهار عقاید سیاسی تکرار کرده و اصرار میکنم استقلال بلدیها و تشکیل بلدیهای قانونی برای تنظیم امور محلی اشخاص است. و این مسئله درجه اول تنظیم تشکیلات مملکتی است و همان اندازه اهمیت دارد که تشکیلات مملکتی را باید اهمیت بدیم. زیرا تشکیلات مملکتی از درجه پائین اول حوزه بلدی است. بعد حوزههای ایالتی و ولایتی و سوم تشکیلات حوزه مملکتی، امور باید متدرجاً از درجه پائین تصفیه شود. اول حوزه بلدی که از مجموعه آنها حوزه ایالتی و از مجموعه آنها حوزه مملکتی تشکیل میشود و هر یک از این تشکیلات البته دارای یک هیئت مشاوره و یک هیئت اجرائیه خواهد بود. چنانچه برای مملکت یک هیئت شوروی هست که مجلس شورای ملی است و یک هیأت اجرائیه که هیئت دولت است. برای حوزه ایالتی هم هیئت شوروی انجمنهای ایالتی ولایتی است و هیئت اجرائیه حکام و ولات و مأمورین دولت و برای قسمت بلدی هیئت شوروی انجمن بلدی است و هیئت اجرائیه اداره بلدی یا مأمورین نظمی و غیره. ولی در این قانون یک ترتیبی که تشکیلات و استقلال و اختیارات بلدی را در درجه خودش کاملاً معین کند ذکر نشده و لازم بود وقتی که قانون بلدی را می نویسند اول حوزه بلدی را معین کنند که از چه قرار خواهد بود؟ و تا چه حدی است. شهر است؟ بلوک است؟ قراء است؟ قصبیات است؟ اول حد این قسمت را معین میکردند بعد هیئت بلدی را تعیین میکردند. زیرا هیئت بلدی فقط انجمن بلدی و اداره بلدی نیست. هیئت بلدی آن هیئتی است که مأمور انتظامات و حفظ یک حوزه شهری یا قصبه است. این هیئت مأمورین نظمی هستند. مأمورین امنیه هستند. حکام هستند. کدخداهای هستند و همچنین مأمورین دیگر اول این حوزه باید تعیین شود و معلوم شود که مسئول امور این حوزه چه اشخاصی هستند ولی این مسئله معین نشده در این قانون و بطور کلی یک وظائفی را ذکر کرده اند که شاید الان در مملکت ما اصلاً موضوع ندارد. مثلاً اسوال منقول و غیر منقول و بناهای متعلق به بلدی یک چیزهایی است که هنوز در مملکت ما ساخته نشده. اصلاً یک همچو چیزهایی وجود ندارد. همچنین در این جایک وظائف دیگری که باید انجمنهای بلدی راجع باسور حوزه بلدی داشته باشند آنها را ذکر نکرده اند و بنده بطور کلی که نگاه میکنم این قانونی که فعلاً برای بلدیها نوشته اند تقریباً یک قانونی خواهد شد شبیه بهمان قانون بلدی که در ابتداء نوشته اند و یک مدتی در موقع اجرا با اشکالات و اختلافاتی دچار میشوند که بالاخره غیر مجزا میماند. هر قانونی را باید بر روی اصل مقتضیات محل نوشت. قانون را وقتی روی مسائل و احتیاجات احساس شده که حتماً محتاج الیه است تدوین کردند و بتصویب مقامات عالیله

قانونی رساندند قانون میشود. و هر کس هم مجبور باطاعت آن خواهد بود. در این قانون اشکالات و ابهامات بدرجه زیاد است که اشخاص نمیتوانند تشخیص بدهند حتی مأمورین دولت و حکام و سایرین که مأمور اجرای این قانون هستند. هیچکدام از روی این قانون تکلیف خودشان را نمیدانند حتی در یکی از مواد بنده دیدم طوری نوشته اند که انجمن بلدی و مؤسسه بلدی یک مؤسسه مستقلی خواهد شد که شاید تصور خواهند کرد در مقابل حکام ایالات و ولایات باید یک دکان مستقلی باز کنند.

شیروانی — باید همین طور هم باشد.

فهیمی — و باید بالاخره در ادارات بلدی مأمورین عالی آنها حکام و ولایه باشند. همانطور که ادارات مملکتی یک رئیس مستقل مافوق دارند و حکام و ولایه همیشه نماینده شخص پادشاه هستند در امورات محلی و سایر مؤسسات هم مأمورین باید در رعایت قوانین و اجرای وظایف قانونی خودشان تابع نظریات حاکم و رئیس مافوق باشند. ولی اگر آقایان مطالعه و دقت بفرمایند تصدیق خواهند فرمود این قسمتهائی که باید در این قانون تنظیم شود پیش بینی نشده. و بنده این تشکیلات و وظائفی را که در این قانون فعلی معین شده کافی نمیدانم. چون مدتها است ماسعی می کنیم که یک انجمنها و ادارات بلدی منظم مستقلی که کاملاً رفع حوائج محلی افراد را بنماید از این قانون بدست بیاوریم و این قانون آنطوری که باید تنظیم نشده و بالاخره بلااجراء خواهد ماند.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده خیلی متأسفم که یک چیزهایی را تصور میکنم و حقیقتاً جرات نمی کنم حرف بزنم، در دوره چهارم و پنجم ورد زبان تمام آقایان نمایندگان این بود که باید قانون بلدی بیاید بمجلس و بلکه شهر طهران بصدای بلند این جمله را می گفتند که قانون بلدی بایستی بمجلس بیاید و تجدید نظر شود و مجلس هم رأی داد که تجدید نظر بشود و قانونی بنویسند و بیاورند بمجلس و اگر نقائصی هم دارد در مجلس رفع شود حالا از آقای فهیمی سؤال میکنم آقا: این بلدی قانونی است؟ خواهید گفت خیر نیست!! پس بنده عرض میکنم قانون بلدی بطور باید مرتب بشود؟! میفرمایند باید قانونش بیاید بمجلس و اگر نقصاتی دارد در مجلس رفع شود، آقا: این همان است این همان بلدی است که مجلس گفته است در قانونش تجدید نظر شود این قانون رفته است در کمیسیون، تجدید نظر هم شده است و آمده است در مجلس، الان در مجلس است. میگویند موادش محل ایراد است؟ آمده است بمجلس برای اینکه شما ایرادات را وارد کنید!! کمیسیون داخله اقداماتش را کرده است. اگر بنا بود که هر قانونی فقط بر راپورت کمیسیون تمام بشود که دیگر در مجلس نمی آمد و همانوقت که راپورت کمیسیون نوشته میشد می گفتند راپورت کمیسیون تمام است و باید اجرا شود. پس راپورت کمیسیون باید بیاید بمجلس برای اینکه مجلس در آن وارد شود و در سوادش نظر کند و هر ماده که دید مخالف با منافع

عمومی است و صحیح نیست رد کند و نظریات خودش را بگوید. آقا: در قانون دوشور قرار داده اند!! میگویند شوراول، شور دوم، این ترتیبات برای چیست؟ من نمی فهمم!! تازه مثل اینکه دوره بیست و چهار سال پیش از این است و تازه میخواهد مجلس شورای ملی تشکیل شود و یک کلیاتی از کره سربخ و زبرد صحبت کنیم!! خیر آقا این دوره آن دوره نیست. در دوره اول یک بلدیهای تشکیل شد و آن بلدیها بهم خورد. بعد مؤسساتی تشکیل شد که گفتند این مؤسسات مؤسسات ملی نیست و باید ملت در حقوق خودش اختیار داشته باشد. بلدی و انجمنهای ایالتی و ولایتی و انتخابات آنجا از حقوق ملت است. چطور برای انتخابات ویرای وکیل شدن این همه سرو دست میشکنیم؟! اما برای حقوق شهر که میخواهیم بلدیها را درست کنیم هی اشکال تراشی می کنیم که اینجاش درست نیست!! آنجایش درست نیست!! سوادش درست نیست آقا: اینجا آورده ایم که درستش کنید!! و اما مطلب دیگر (جسارت نمی کنم) ولی گویا آقایان درست مطالعه نکرده اند چون در روز تعطیل بود. این قانون روز پنجشنبه بین تمام آقایان منتشر شد و مطابق نظامنامه راپورتی که از کمیسیون داده میشود باید بیست و چهار ساعت قبل از اینکه در مجلس مطرح شود طبع و توزیع شده و آقایان برسند. این قانون هم در موقع خودش رسیده است. حالا اگر آقایان مطالعه نکرده اند نباید در مجلس مطرح شود؟! در صورتیکه الان هشتاد و دو ساعت است طبع و توزیع شده!! حالا اگر کسی بتکلیف خودش عمل نکرده است یا درست مطالعه نکرده است ایرادی بر بنده و آقای حائری زاده و بر عده که طرفدار مطرح شدن این قانون هستند وارد است؟! اما راجع بتقسیمات بلدی: بحسب قاعده آمده اند بلدی را بدو قسمت تقسیم کرده اند. یک هیئت اداری و یک هیئت شوروی و هر یک از اینها موادش علیحده است و فعلاً مواد اداریش را معین میکنند و ضمناً در بیان مواد اداریش فوائد و منافع بلدیها را هم معین میکنند و میگویند: بلدی آن است که اسوال شهر را حفظ کند و این لفظ برسبیل کلی است میگویند اسوال منقول و غیر منقول را چرا حفظ کند؟! و در اینجا تعیین تکلیف نکرده است. خیر آقا در ماده اولش که نوشته است موضوع آن حفظ منافع شهرها و ایفاء حوائج عمومی و تأمین آسایش اهالی شهرتشین است. این تکلیف است. دیگر کجا معین نکرده است موضوع بلدیها را معین کرده است و باصطلاح ما که در مدرسه بودیم موضوع وفائده و نتیجه اش را معین کرده است. پس خوب است وقتی که در مقام مخالفت بر میآیند یک سیر اجمالی در مواد بفرمایند ولو اینکه سیر حکومتانه هم باشد و به بینند در این مواد محل و موضوعش را معین کرده است تمام این قانون بلدی در تعقیب رأی دوره پنجم است که معتقد شدند باید در قانون بلدی تجدید نظر شود. حالا این امر واقع شده است و این قانون آمده است در مجلس برای اینکه درش نظر بشود چنانچه خود بنده هم ایراداتی در آن دارم. در ماده پنج ایراد دارم در ماده ده و هفت ایراد دارم. اینها چیزهایی است که میآید در مجلس مطرح شود و اتفاق میشود برای

همین که اصلاح شود و باصطلاح بعضیها میگویند: حقایق جستن میکنند از تصادم کلمات متضاد. شما یک نظریاتی دارید دیگری هم یک نظریاتی دارد، البته در تحت نظریات تقایص رفع میشود. و اگر ما بخواهیم باین جور چیزها یک قوانینی که اینقدر بحال ملت و مملکت نافع است از بین ببریم بالاخره چه میشود!! اول قدمی که برای یک ملت زنده برداشته شود همان تأسیس اساس بلدیهاش است که کم کم روح حیات وزنده شدن در ملت دمیده شود بعد از بلدی بعقیده بنده انجمنهای ایالتی و ولایتی و بعد از آن مجلس شورای ملی است ما همیشه از عقب میآئیم جلو! از بالا یک دفعه میآئیم پائین. سوسیالیست هستیم ولی میگوئیم بلدی و انجمن بلدی نمیخواهیم!! آقا: چنین چیزی نمی شود!! شما منکر انجمن بلدی میشوید!! منکر تأسیسات بلدی میشوید!! آنوقت میگویند من در مسلک دارای فلان مقام هستم چه طور همچو چیزی میشود؟! ما باید اول بلدیها را درست کنیم این اطفال لخممان را جمع آوری کنیم. این شهر کثیف و خرابمان را درست کنیم آنوقت بیاییم در مجلس شورای ملی بنشینیم. شما از اول میگویند ما قانون بلدی را نمیخواهیم چون بعضی سوادش درست نیست! سوادش درست نیست؟! اصلاح کنید!! من خیلی تأسف میخورم که یک نماینده نسبت بتأسیس اساس بلدی و نسبت بقانون بلدی مخالفت کند. اگر مخالفت از جهة نقصان در مواد است؟ البته نقصان در مواد باید در مجلس پیشنهاد شود تا رفع شود. چیز غریبی است! میگویند بلدی نمیخواهیم!!

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بیرون در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

ماده اول — بلدی مؤسسه ایست که موضوع آن: حفظ منافع شهرها و ایفاء حوائج عمومی و تأمین آسایش اهالی شهرتشین است.

رئیس — آقای شیروانی.

شیروانی — موافقم.

رئیس — مخالفی ندارد؟ آقای شریعت زاده (اجازه).

شریعت زاده — البته در بادی نظر در این ماده چیزهایی نوشته شده است که نمیتوان گفت با آن نباید موافقت کرد. ولی در اینجا این چیزهایی را که نوشته است «موضوع بلدی است» این طور نیست «اینها» موضوع بلدی نیست بلکه نتایج آن است و بالاخره در تنظیم مواد همانطور که آقای دادگر فرمودند شور کافی بعمل نیامده است و همین مسئله ممکن است موجب اختلافات شود و بنده معتقدم که این ماده برگردد بت کمیسیون، نه فقط این ماده بلکه تمام مواد را بنده تحت نظر آورده ام و همین طور است از این جهت و در هر صورت بنده مخالفم.

رئیس — آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - چون معمولاً در ماده اول میشود در کلیات مذاکره کرد. این است که بطور اختصار میخواهم بگویم فرمایشات آقای فهیمی را جواب عرض کنم و ضمناً البته آقای نماینده محترم هم اگر نظری در مواد دارند چون شور اول است میروید بکمسیون و پیشنهادانی هم میشود و البته در کمیسیون بآنها مراجعه میشود و مواد را اصلاح میکنند ولی بنده این نکته را میخواستم عرض کنم و ممکن است اشتباه هم کرده باشم. بعقیده بنده فلسفه تشکیل دولت در یک مملکتی اساساً برای تأمین آسایش آن جامعه است و معتقدم که برای تأمین آسایش اکثریت یک جامعه صدها هفتاد و پنج عملیات هر دولتی در بلدیہ تمرکز پیدا میکند و صدای بیست و پنج در سایر مؤسسات. بنابراین بلدیہ یک مؤسسه است که بنده خیال میکنم هر کسی دعوی نمایندگی ملت را میکند باید با تمام قوا خودش در حفظ و نگاهداری آن بکوشد. در ابتدای مشروطیت رجال آنوقت یک اصولی از حکومت ملی را در نظر گرفتند و آنها را دادند بدست مجلسها و افراد مشروطه طلب این مملکت و از جمله آن اصول کلی یکی همین تشکیل بلدیہ بود که از آن روز اول بلدیہ را جزو اصول و اساس میدانستند و حقیقتاً هم یکی از رشته های اصولی مشروطیت بلدیہ بود که قانونش را نوشتند یا ترجمه کردند و دادند بدست مردم و گفتند شما باید از این مؤسسه استفاده کنید. ولی همینطور که خیلی از آثار حکومت ملی و مشروطیت ما در نتیجه بعضی پیش آمدها و توتنها وزیر و زبیرها تعطیل شد و متروک ماند کم کم موضوع بلدیہ هم اصلاً از بین رفت و شما دیگر آثار بلدیہ ملی را در هیچ نقطه از این مملکت نمی بینید. بلدیہ شده یک اداره دولتی! بلدیہ که بعقیده ما یک مؤسسه است که در درجه دوم یا سوم مجلس شورای ملی است شده یک اداره دولتی در دست و وسیله تأمین معیشت یک عده میز نشین. نتیجه این شده!! و در عوض اینکه ما تأمین آسایش عمومی را بکنیم تأمین آسایش یک عده میز نشینهای طهرانی را چه در مرکز و چه در ولایات کرده ایم! و هر روز هم یک سالیانهای جدید محلی وضع کردند و یک تحمیلات بزرگی بدوش مردم گذاشتند و پولهایش را گرفتند و بین یک دسته مفتخور تقسیم کردند و خوردند. در دوره پنجم آمدند «بعقیده بنده» یک کار درخشان اساسی کردند و این سالیانهای خانه برانداز رعیت کش و بالاخره رنجبرکش را برداشتند و یک مالیات سرحدی بجای آن گذاشتند که خیلی عایداتش زیادتر و بهتر است و هیچکس هم احساس سنگینی آن را نمیکند. برای خرج کردن آن مالیات البته تا یکدرجه نظارت سالیه را دخالت دادیم ولی در همان قانون هم پیش بینی کردیم که این پول باید بانجمنهای بلدی و بلدیہ های قانونی برسد. بلدیہ قانونی کدام است؟ آن بلدیہ ایست که انجمن داشته باشد و ملت آنها را انتخاب کرده باشد. و در تمام ممالک متدنه دنیا آقایان غالباً تشریف داشته اند و اطلاع دارند که موضوع بلدیہ یک موضوع عادی مثل مالیه یا عدلیه نیست. البته عدلیه یکی از قوای اصولی است ولی مثل مالیه یا فلان وزارتخانه نیست و بلدیہ

خودش یک اداره مستقلی است که در دست مردم اداره میشود. منتها ما عوائدش را از نقطه نظر اینکه فعلاً در این مملکت فقر عمومی در کار است و نمی شود عوارض باشخاص تحمیل کرد گفتیم مالیات سرحدی گرفته شود والا باید این پول در تحت نظر اهالی هر شهری بصرف احتیاجات همان شهر برسد. یک موضوعی را که میخواستم بنمایند محترم تذکر بدهم این است که یکی از کارهای مرتب شبهای بنده یک ساعت مخصوصی است برای مطالعه قوانین که در حاشیه قانون ایرادات و پیشنهاداتی را که میخواهم بکنم یادداشت میکنم که اگر بر حسب اتفاق جزو دستور شد بنده مطالعه ام را کرده باشم و البته خیلی از آقایان نمایندگان هم این کار را می کنند و لابد نماینده محترم هم یک نظر اجمالی کرده اند که اینجا ایراد گرفتند. بالاخره هر قانونی هم اول که نوشته میشود بی عیب و بی نقص نوشته نمی شود. فلسفه مجلس شورای ملی و کارهای شوری هم این است که قوانین یا اسرار نتیجه دماغ شخص واحدی نباشد و در تحت شور بیاید و نظریات اشخاص گفته شود و چیز خوبی بیرون بیاید. البته ممکن است این قانون خیلی نواقص داشته باشد ولی جلوی پیشنهادات بنده و جنابعالی را نبسته اند نظامنامه حق داده است که بنده و جنابعالی هر پیشنهادی داریم بکنیم که رفع معایب قانون را بکنند. و یک نکته که مخصوصاً بنده را اینجا کشید موضوعی بود که فرمودند ما یک دکانی در مقابل حاکم میخواهم تأسیس کنیم. بله بنده مخصوصاً جزو آن پیشنهاداتی که در نظر گرفته ام بکنم و امیدوارم که آقایان هم موافقت بفرمایند این است که «چون فعلاً زمینۀ تأسیس انجمنهای ولایتی در ولایات حاضر نیست و قانون آنها قابل تجدید نظر است و شاید حالا تا درجه عملی نیست» در جزو مواد این قانون یک حق بانجمنهای بلدی داده شود که در تمام ادارات دولتی نظارت کنند که این دکان یک دهنه توی دهن این مأمورین خود را بی لگام بزند بله آقا باید تودهنی زد باموری که میخواهد برود آنجا مردم را بچاید میخواهیم یک افکاری باشد که از تجاوزات مأمورین جلوگیری نماید و من از آقایان خواهش میکنم که فعلاً چون انجمنهای ایالتی و ولایتی نداریم بانجمنهای بلدی حق بدیم که در تمام ادارات نظارت کنند.

رئیس - آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی - بنده اولاً میخواستم عرض کنم که اگر آقای آقا سید یعقوب میل دارند که اظهار حرارتی بفرمایند و صحبتی بکنند لازم نبود که از قول بنده حرف درست کنند....

آقا سید یعقوب - فرمودید همه اش در صورت مجلس است. فهیمی - بنده مخالف قانون بلدی نیستم. ده مرتبه دیگر هم جنابعالی تکرار بفرمایید بنده مخالف قانون بلدی نیستم شاید عرض کنم مخالف قانون بلدی هستم که شما میخواهید تأسیس نمائید. بنده مخالف آن نظر هستم. بنده عرض میکنم قانون بلدی ترتیبی نوشته شود که بلدیہ هائیکه تشکیل میشود مستقل باشند. آقای شیروانی میفرمایند که باید دکان باشد بنده عرض

میکم که حکام محلی درجات پائین باید به انتخاب بلدیہ باشد. باید حکام را مردم معین کنند بایستی استقلال بلدیہ ها معین باشد و مداخلاتشان معلوم باشد آن قسمتی را که فرمودید بلدیہ باید ناظر عملیات ادارات دولتی باشد بنده با این قسمت مخالفم. انجمن محلی و هیئت محلی هیچوقت ناظر عملیات مملکتی نمی شود، نظارت عملیات مملکتی با مجلس شورای ملی است که نماینده قاطبه اهالی مملکت است انجمنهای محلی فقط برای امور محلی است یک قسمتهائی هست از امور مملکتی که در مجلس باید اداره بشود زیرا بالاخره هر حوزه ایالتی یا بلدی دورشته اسر دارد یک رشته اموری است که متوجه تمام مملکت میشود و یک رشته اموری است که مخصوص آن نقطه بخصوص است معاملات دولتی از قبیل اجاره و استجاره و ملک خریدن و فروختن باید با نظر بلدی بشود. در موقع سر بازگیری باید صورت از بلدیہ بخواهند. اما مسأله سیاست خارجی یا مسأله وضع مالیات مربوط به بلدیہ نیست فقط در موقع تقسیم مالیات نظر بلدیہ باید خواسته شود. این قسمت هائیکه هر روز آقایان از مالیه شکایت میکنند و همیشه فریاد زده میشود و همیشه هم مبتلا به است آن قسمت هائی که باید بلدیہ در موقع بداد مردم برسد این قسمت های مفید و مهم در این قانون ذکر نشده است در قسمت اول این قانون مینویسد: بلدیہ مؤسسه ایست که موضوع آن حفظ منافع شهرها و ایفاء حوائج عمومی و تأمین آسایش اهالی شهرنشین است. ما هر روز از برای دهاتی در غیبت غصه میخوریم آنوقت قانون بلدیہ هم که مینویسیم برای شهرها است و آقای آقا سید یعقوب هم با همه حرارتشان در این خصوص حرفی نزدند.

آقا سید یعقوب - بلی. بلدیہ برای شهرها است.

فهیمی - عرض این است که بنده هم ممکن است داد بزنم ولی نمیخواهم داد بزنم.

آقا سید یعقوب - بنده جواب شما را میدهم، بنده و کیلم که قانون وضع کنم پس و کیلم چه هستیم!؟

فهیمی - التفتا بفرمائید عرض بنده در ابتداء...

رئیس - توجه کنید در ضمن بیاناتتان کلمات نیش دار نزنید. اسباب زحمت میشود.

فهیمی - اینکه بنده عرض کردم برای این است که در اینجا بلدیہ را مخصوص میکنند بشهرها در صورتیکه بلدیہ عبارت از شهر باقراء و قصبات و دهاتی که در اطراف شهرند میباشد که تمام باید در تحت مسائل اساسی و قانون بلدی آن محل باشند از حیث امور حفظ الصحه از حیث امور مکاتب و غیره و باید بلدیہ نظارت کند در کارهای همه آنها و چون عجلاناً ما یک تقسیمات قاطعی برای تقسیمات اداری مملکت نداریم که معلوم شود چند قریه یا قصبه یا بلوک باید یک بلدیہ داشته باشد. بلدیہ ها را فعلاً منحصر به مراکز یا شهرها کرده ایم ولی دهات و قصبات را هم که فعلاً بلدیہ ندارند نباید محروم بکنیم. باید شعبه حفظ الصحه در تمام آن حوزه رسیدگی کند. در قوچان منتهای در سال گذشته قریب پانزده هزار بچه از آبله و سرخه مردند فقط یک طیب صحی در مرکز قوچان نشسته است. کی باید به این امور رسیدگی کند؟ در

دهات اطراف که نمی شود اداره بلدیہ و حفظ الصحه درست کرد منحصر به اهالی شهرنشین هم که نباید باشد پس باید طوری بشود که اساس حوزه بلدیہ محدود به شهر نباشد یک قسمت بلوک که در عمل مالیات و حکومت جزء آن شهر هستند باید رعایت آنها هم در ضمن تأسیس بلدیہ قانونی بشود. و باز هم در خاتمه عرض میکنم که بنده اساساً مخالف تأسیس انجمن بلدی یا قانون بلدیہ نیستم بلکه عرض میکنم حالا که ما بلدیہ تأسیس میکنیم باید یک بلدیہ مستقلی باشد انتظامات محلی بنفلیه محلی، امنیه محلی، مکاتب محلی. اینها تمام باید با بلدیہ باشد. یک حدودی از دهات و قراء و قصبات که جزو حوزه یک شهری است و از هر حیث جزء آن شهر محسوب میشود باید جز بلدیہ آن شهر محسوب بشود.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اخطار دارم. اجازه بفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - آقای فهیمی در ضمن صحبتشان فرمودند بنده مخالف هستم با آن قانونیکه شما مینویسید بنده و کیلم هستم یا نیستم؟ آیا این توهین نسبت به یک نماینده هست یا نیست؟ بنده حق نظر در قانون دارم یا ندارم؟ اگر دارم آقای فهیمی چرا اینطور اظهار کردند؟ چرا؟ و بچه حق سلب و کالت از من میکنند؟ در صورتیکه خودش صریحاً میگوید ما نمی خواهیم دکانی در مقابل حکومت درست بکنیم همین دلیل مخالفت با بلدیہ است. این عرایض بنده است و بنده از مقام مجلس و ریاست دادخواهی میکنم چرا سلب حق و مداخله در قانون و وضع قانون از من میکنند؟

فهیمی - بنده توضیح دارم.

رئیس - بفرمائید.

فهیمی - بنده عرض کردم اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند فلانی مخالف با قانون بلدی است، بنده مخالف بر قانون بلدی نیستم. بنده با مواد این قانونی که وضع شده است مخالف بودم، این قانونی است که البته ایشان دم در کمیسیون داخله بوده اند و نوشته اند والا عرض نکردم ایشان میخواهند یک قانون بدی برای بلدیہ وضع نمایند.

رئیس - از توضیحاتشان معلوم میشود که قصد نداشته اند ادعائی به جنابعالی بکنند.

معاون وزارت داخله - فرمایشات آقای فهیمی راجع بکلیات تشکیلات بلدی در یک قسمت البته صحیح است و ممکن است در ضمن مذاکره مواد البته اصلاحاتی بشود ولی راجع به یک قسمت بنده برای توضیح عرض میکنم که استقلال بلدیہ را که خاطر نشان فرمودند البته این استقلال در قانون هم محفوظ است ولی با یک کیفیتی که در عمل هم نتیجه خوب بدهد مقصود از این استقلال چیست؟ مقصود این است که بلدیہ طوری تأسیس بشود که کار خودش را بکند و بتواند کار مفیدی هم بکند در این لایحه بطوری که ملاحظه میفرمائید ما قائل شده ایم به مؤسسه بلدیہ به این ترتیب که دارای دو قسمت باشد. یک قسمت قسمت شوری و

یک قسمت قسمت اداری که مجموع این دو قسمت مؤسسه بلدی را تشکیل میدهد قسمت شوروی نظارت میکند در امور مالی بلدی به خصوص در وضع عوارض بلدی و تصویب بودجه بلدی و کلیه مخارج بالاخره نظارت در جریان امور اداری بلدی و آنچه متعلق به شهر است. قسمت اداری هم که یک اندازه اتصال بدولت خواهد داشت او در واقع قسمت اجرائی است که تصمیمات بلدی را اجرا میکند و بالاخره مأمور انجام امور بلدی است با این شکل بنده تصور نمیکند بلدی استقلال نداشته باشد. چون در تحت امر شخصی نیست. حالا اگر کیفیت استقلال را بطور دیگر تصور میفرمائید؟ باید پیشنهاد کنید که معلوم شود از چه قرار است و البته اگر قابل قبول باشد پذیرفته میشود. اما اینکه فرمودند حکام بعضی نقاط مثلاً از طرف بلدی انتخاب شوند بنده عرض میکنم البته شاید در آئیه به این ترتیب برسیم و به اندازه ورزیده شویم در امور اداری و اهالی شهرها مان آشنا شوند به این کیفیات که حقیقتاً بتوانند مأمورینی را انتخاب کنند که در آن واحد هم در امور بلدی نظر داشته باشند و هم در امور حکومتی که کیفیت سیاسی دارد اقدام نمایند بجهت اینکه الان حکام مأمورین سیاسی ما هستند در صورتی که فرض ما این است که بلدی راجع به امور شهری فقط نظر دارد البته کم کم که این قانون را به موقع اجراء بگذاریم و آشنا شویم به این ترتیبات و تأسیسات البته ممکن است یک روزی هم به آنجا برسیم که حکام هم در بعضی شهرها از اهل شهر انتخاب شوند اگر چه این منافات با یک اصلی هم دارد و آن این است که مأمورین در حوزه ولایتی مأموریت دارند و یک وظائفی دارند که فقط مربوط به شهر نیست به جهت اینکه در یک حوزه ولایتی فرض میفرمائید یک شهر واقع است در صورتیکه قسمت عمده اش را دهات و بلوکات و قصبات تشکیل میدهند و من حیث المجموع بایستی مأموریکه در تمام امور دخالت دارد از طرف دولت معین شود نه از طرف شهر بخصوص. بعلاوه امور بلدی که مربوط به شهر است ارتباطی با دهات نمیتواند داشته باشد اهالی شهر بلدی دارند برای خودشان، چون بلدی اختصاصاً راجع به محل است و در امور خارج از حوزه شهری بلدی نمی تواند نظر داشته باشد البته دهات و قصبات هم باید یک ترتیباتی داشته باشند از حیث صحت، تنظیفات عمومی و غیره اما اینها مربوط به تشکیلات عمومی مملکت باید باشد یا اینکه یک ترتیبات علیحده داشته باشد بلدی شهر در حوزه ایالتی صالح نیست دخالت کند باید مربوط به همان حوزه شهری باشد و البته دهات و قصبات هم نباید از ترتیباتیکه لازمه زندگانی آنها است محروم باشند بلکه باید یک قرار هم راجع باعمال دهات و قصبات داده شود و بعلاوه بلدی باید از عایدی خودش اداره شود. دولت که به بلدی از مالیه عمومی خودش چیزی نمیدهد چطور میشود فرض کرد که بلدی را یک شهری از عایدات خودش تأسیس کند و آن بلدی مجبور باشد که احتیاجات عمومی یک ولایت را ایفاء نماید این عملی نیست. پس باید برای دهات و قصبات هم بفرآخور حال خودشان یک ترتیبات مخصوصی معین کرد نه اینکه آنها را تابع بلدی شهر که

مرکز ولایت است قرار داد. راجع به امور سربازگیری و اینها که فرمودند مربوط به بلدی است. از چه جهت مربوط به بلدی است؟ از جهت دفتر احصائیه و سجل احوال در قانون سجل احوال داریم داریم که دفتر سجل احوال شهر مرکزش در بلدی است. البته هر موقع که وقت سربازگیری شد مراجعه به آن دفتر میشود و اسامی را استخراج مینمایند و بالاخره این ارتباطی است که بین امر سربازگیری و بلدی هست از حیث دیگری بنده ارتباطی نمی بینم و رویهمرفته اگر مطالعه فرمائید در این لایحه می بینید که یک ترتیبی اتخاذ شده که کاملاً عملی است و در موضوع نظارت اهالی شهر در امور بلدی خودشان کاملاً رعایت شده است و تمام کارها بوسیله نمایندگان شهر میشود که انجمن بلدی را تشکیل میدهد و در تحت نظارت آنها خواهد بود. البته قسمت اداری هم که متصل بدولت است از حیث اینکه باید امور اداری را انجام بدهد یک طوری تشکیل میشود که از یک طرف چون مربوط به انجمن است با سواقت انجمن باشد و از یک طرف هم چون صلاحیت اداری یک امر علیحده است یک وظایفی برایش فرض شده است که کاملاً حسن جریان کار را تأمین میکند و نتیجه مطلوبه حاصل میشود. در قسمت انتخابات بلدی هم یک اصولی اتخاذ شده است که به عقیده بنده کاملاً عملی و سهل و ساده و بدون طول و تفصیل است و بالاخره ما از یک تشکیلات بلدی که تازه میخواهیم شروع کنیم چه انتظاری داریم؟ آن وجه احسنی که به نظرمان سیاید الان در قانون مینویسیم و به موقع عمل سیگذاریم. اگر در ضمن عمل باز هم یک نواقصی دیدیم (برای اینکه البته برای ما دوره ورزش و استخانت) باز اصلاح میکنم و این ترتیب البته بهتر است از اینکه قبل از شروع بعمل یک مقاصد عالی را در نظر بگیریم که شاید در عمل متناسب با احتیاجات ما نباشد پس بهتر این است که این قانون بگذرد و البته هر اصلاحی هم لازم دارد در حدود احتیاجاتی که الان حس میکنیم بشود بعد در عمل و در ضمن یک دوره و دو دوره به نواقصش برمیخوریم و اصلاح میکنیم.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهادات واصله قرائت و به کمیسیون ارجاع میشود. پیشنهاد آقای بهبهانی.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده اول کلمه «ملی» بعد از مؤسسه ایست» اضافه شود.

رئیس — پیشنهاد آقایان شیروانی، یاسائی، عصر انقلاب و اسامی و ساگینیان مبتنی بر این است که کلمه قصبات هم اضافه شود. ارجاع به کمیسیون میشود. ماده دوم. آقای یاسائی موافقت؟

یاسائی — خیر مخالفم.

رئیس — فرمائید.

یاسائی — مخالفت بنده در این ماده راجع به فقره چهاردهم

است که مینویسد: تسویه کلمه مناقشات صنفی. و تیکه ما این عبارت را می بینیم مثل این است که میخواهیم حق بدیم به انجمن بلدی که یک دخالت هائی در امور قضائی یعنی یک قضاوت هائی در امور صنفی بکند و این با استقلال قوه قضائیه منافی است یعنی

خورده خورده در عمل مخصوصاً در ولایات طوری خواهد شد که ممکن است یک اصطکاک می بین بلدیها و عدلیهها تولید شود. بنده هنوز درست معنی این عبارت را نفهمیده ام و نمیدانم مقصود چیست؟ مناقشات صنفی چطور مناقشاتی است؟ و بالاخره مناقشات اصناف یعنی صنفی با صنف دیگر است یا مناقشات افرادی که داخل صنف هستند؟ مثلاً اگر یک قصابی بدهکار باشد به یک چوپداری مثل اینکه غالباً مبتلا به بلدی طهران است این گفتگو را آیا خود بلدی باید خاتمه بدهد یا مقصودشان چیزهای دیگری است؟ اگر مقصود این است که دعای اصناف را بلدیها باید اصلاح کنند؟ بنده مخالفم دعای هر نوع باشد رسیدگی مخصوص به محاکم عدلیه و محاکم عمومی است. و اینگونه گفتگوهای صنفی هم باید به محکمه تجارت مراجعه شود و قانون محاکم تجارت را هم که ملاحظه فرمائید اصناف هم در ردیف تجار هستند و دعایشان باید به محکمه تجارت احاله شود. این است که بنده با نوشتن این فقره در این جا باین ترتیب مخالف هستم مگر اینکه توضیح شود که مقصود چه نوع مناقشاتی است.

رئیس — آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده — همین مثالی که نماینده محترم زدند و امثال آن موجب شده است که این فقره چهاردهم نوشته شود. محکمه فقط نظرش نظر حق است که به بیند دو نفری که با هم نزاع دارند حق با کدام است. بلدی نظرش نظر تأمین آسایش اهالی است که زندگانیشان را به او سپرده اند معین و مرتب کند. مثلاً مسأله چوپدار و قصاب: چوپدار عبارتست از آن آدمی که گوسفند از نقاطی برای شهر میاورد و میفروشد، یک آدم غریب میاید توی شهر و یک عده گوسفند میاورد بین قصابهائی که نمیداند سرمایه دارند یا ندارند توزیع میکند که مثلاً یک ماه دیگر بیاید پولش را بگیرد، اگر چنانچه این چوپدار وقتی که برگشت به او گفتند برو عدلیه این شخص سال دیگر گوسفند میاورد و شهر بدون گوسفند میماند در این قبیل مناقشات باید بلدی دخالت کند که اگر یک قصابی ورشکست شد با سایر همکاران او قراری بدهد که دخاداشتی کند که پول این چوپدار را بدهند که سال دیگر این چوپدار گوسفند میاورد. در اختلافات صنفی باید تا یکدرجه به بلدی حق بدیم از نقطه نظر آسایش عمومی دخالت نماید و اختلافات را حل کند. بدیهی است یک قوانین فرعی و نظاماتی هم برای این موضوع باید برقرار شود و لوایشش بعداً از تصویب مجلس بگذرد.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده در این ماده دوم که مشتمل بر چهارده جزء است در جزء پنجمش که نوشته شده: (ساختمان و نظیف معابر، مجاری سیاه، زیرآبها، پلها و غیره) خواستم عرض کنم بلی حقیقتاً در سال گذشته با این کم آبی گرچه یک عملیات خوبی از طرف بلدی از حیث مشروب کردن شهر شد و حقیقتاً خیلی حق گردن شهر پیدا کرد ولی نظر به آن مسأله که در قانون اساسی داریم که مداخله در املاک غیر ممنوع است خواستم آقای معاون وزارت داخله راجع به نظامنامه مخصوص که خواهند نوشت توضیح

بدهند که یک ترتیبی واقع شود که خوب باشد البته بلدی باید حفظ منافع عمومی را بنماید و کاملاً بنده هم موافق هستم که مثلاً در موقع قحطی یا سختی بی آبی یک مدافعاتی که یک عنوان مشروعی داشته باشد واقع بشود به ترتیبی که ملک مردم را هم بدون اجازه تصرف نکرده باشند. خواستم به بینم این عبارت (در تحت نظامنامه مخصوص) نظامنامه اش را بلدی خواهد نوشت یا انجمن بلدی یا کمیسیون داخله؟ که این جور چیزها در تحت نظر گرفته شود که منافات با اصل مالکیت نداشته باشد و نظر بنده رعایت این مسأله است.

معاون وزارت داخله — البته این نکته را در نظر داشتیم و کاملاً اصل مالکیت محترم است. مقصود فقط تنظیم و نظامات بوده است. البته نظامنامه هم که وضع میشود روی همین اصل است و انجمن بلدی تصویب میکند به تصویب دولت هم خواهد رسید. وزارت داخله هم البته باید تصویب و امضا کند از این جهت البته نگرانی نخواهد بود، اما راجع به مسأله مناقشات صنفی که مذاکره شد بنده یک توضیحی اضافه میکنم و آن این است که نوع مناقشه فرق میکند، مسائل حقوقی بطور مطلق شامل مناقشات صنفی هست ولی فرض نمائید که در کیفیات صنفی معمول است که یک دکانی که در یک محلی هست دیگری بدون اینکه رعایت یک فاصله معینی را بکند نمیتواند همان دکان را باز کند، اینها نوع امور صنفی است و تصدیق میفرمائید که این گونه امور یک جنبه اختصاصی دارد و جنبه حقوق عمومی را ندارد و حل و فصلش به توسط بلدی آسانتر است برای آسایش اهالی شهر هم بهتر است.

رئیس — آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده — موافقم.

رئیس — آقای فیهیمی. (اجازه)

فیهیمی — خواستم استدعا کنم که اگر آقایان موافقت فرمایند چون مذاکره در اطراف این فقرات خیلی زیاد است یکی یکی مذاکره شود...

رئیس — تجربه مذاکره معمول نبوده است.

فیهیمی — چون اینطور خیلی در هم است و نظریات میماند، در قسمت اول نوشته اند (جمع و خرج عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی که بموجب قانون وضع میشود) اما معلوم نیست مقصود از این جمع و خرج چیست؟ باید ذکر شود که غرض از این عبارت چیست. و توضیحاً عرض میکنم که اظهاری را که آقای حائری زاده کردند گفتگوی ما بین چوپدار و قصاب این مسأله حقوقی است و باید بعدلیه برود و جزو مسائل صنفی حساب نمیشود. مسائل صنفی همان بود که آقای معاون وزارت داخله توضیح دادند که ما بین افراد یک صنف در محل گفتگو میشود.

رئیس — آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده — در قسمت جمع و خرج که آقای فیهیمی فرمودند مقصود چیست بنده عرض میکنم مفهوم آن کلمه بودجه است که انجمن بلدی باید حق داشته باشد بودجه بلدی. عایدات و مخارج آن را تنظیم بکند. البته عایدات بلدی و عوارض بلدی

باید به تصویب مجلس شورای ملی وضع و اجرا شود و در قسمت اعتراض هم که آقای یاسائی فرمودند یعنی مسأله مناقشات صنفی بنده خیال میکنم همیشه قوانین را روی مقتضیات و احتیاجات مردم و اهالی باید وضع کرد امروز سلاخه میفرمایید وضعیت اصناف ما مخصوصاً صنف قصاب در شهر طهران طوری است که یک عادت و جریاناتی هست که ما مجبور هستیم از نقطه نظر حفظ آسایش اهالی و تأمین آن چیزهایی که برطبق عادت در مملکت ما جریان دارد آنها را قانونی بکنیم که برخلاف قانون رفتار نشود. شما میفرمائید که آن چویدار اگر محاکمه دارد باید بروید بعدلیه؟ هیچوقت او نخواهد رفت و به حق خودش نخواهد رسید و دیگر هیچوقت هم گوسفند بشهر نخواهد آورد باین جهت بنده موافقم که برطبق احتیاجات و مصالحی که امروز ایجاب میکند این حق را بدهیم به بلدییه که برای تأمین احتیاجات مردم این حق دخالت را داشته باشد.

رئیس - آقای شیروانی - (اجازه)

شیروانی - یک توضیحی نمائنده محترم آقای حائری زاده دادند و یک تأییدی هم آقای احتشام زاده کردند که مسئله دارد کم کم خلط میشود چون بموجب قانون اساسی هیچ جایی صلاحیت رسیدگی به دعاوی را ندارد مگر عدلیه. (نمایندگان - صحیح است) مرجع تظلمات عمومی دیوان عدالت عظمی است این عین عبارت قانون اساسی است مناقشات صنفی آنطوری که ما در شهرها میدیدیم از قبیل همان چیزهایی که آقای معاون فرمودند عبارت است از اولاً عدم رعایت فاصله معینی بین دکانها و سرفقلی و غیره بوده. اینها چیزهایی است که تولید مناقشات صنفی میکند مسئله باز کردن دکان کین سلمانی و حمامها حتی که حمام یا دولمانی اگر در یک محل پهلوئی هم باز کنند یک نوع مناقشات صنفی تولید میکنند البته آنها یک قسمت هائی است که عدلیه نمیتواند رسیدگی کند یعنی ما لی و حقوقی نیست که صلاحیت ارجاع بانجا را داشته باشد البته از این قبیل چیزها خیلی زیاد است که قضایای حقوقی نیست و با بلدییه است و این قبیل چیزها را اشخاصی که در بلدییه کار کرده اند بهتر از بنده میدانند یعنی چیزهایی است که جنبه حقوقی ندارد و با بلدییه است ولی در عین حال عرض میکنم که اگر چویدار از قصاب طلب دارد باید بروید بعدلیه، گفتگو هم ندارد بلدییه نمیتواند محکمه حقوقی درست کند، مسئله مناقشات صنفی ارتباط بمسائل حقوقی ندارد یعنی آنچه یکه قسمت حقوقی بهش مربوط میشود باید بروید بعدلیه.

رئیس - آقای شیروانی توضیح دادند و معلوم نشد موافق بودند یا مخالف.

شیروانی - بنده موافق بودم.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - موافقم.

رئیس - آقای غلامحسین میرزا.

غلامحسین میرزا - عرضی ندارم.

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - نسبت بشقوقی که در اینماده ذکر شده است البته باید موافقت کرد ولی این قسمت که مربوط است بقسمت مناقشات صنفی بایستی بقید اهمیت نوشته شود زیرا به موجب اصول اگر یک حق مورد دعوی و اختلاف واقع شود خواه این حق صنفی باشد یا هر حق دیگری باید دید که برای آن حق رسیدگی و انشاء حکمی ضرورت دارد یا نه، و از این نقطه نظر است که بنده مخالفم و معتقدم که باید از یک کلیاتی که ممکن است تماس بکند با قوانینی که مربوط به اصول حقوقی است احتراز کرد. مضافاً به اینکه به موجب قانون اساسی می توان معتقد شد که این قبیل امور از وظائف قوه قضائیه است که یکی از تقسیمات مطلق قواء ما می باشد، بنابراین پیش بینی هائی میشود در این قانون کرد که عبارت باشد از تشکیل محکمه صنفی در روی یک مقرراتی که الان هم بلدییه مان متوجه شده است چنانکه الان صلاحیته بالاخصاص برای امور بلدی در بلدییه هست. بنابراین هر قسم مسائلی که لازم برای حل یک اختلافی که یکی از اصناف یا یک فرد صنفی آن را حق خودش می داند و دیگری حق او نمی داند باید محکمه و حکم باشد و بهتر این است که آقای معاون موافقت کنند که در شور دوم راجع به این قسمت پیشنهاد محکمه بشود که اختلافات صنفی را حل کند تا به این ترتیب این قضیه تأمین شود که ما مجبور نشویم در اینجا بنویسیم که بلدییه که یک مؤسسه شوروی است در امور حقوقی قضاوت خواهد کرد.

فاطمی - عرض می کنم این مسأله مناقشات صنفی که در اینجا ذکر شده است صحیح است، پررئوز هم طرحی را که آقای حائری زاده تهیه کرده بودند و امضاء کردیم و در اینجا هم قابل توجه شد راجع به الغاء مالیاتهای صنفی بود و این مناقشات صنفی یک قسمتش راجع به همان مالیات صنفی است و یک قسمت دیگر مسأله دکان کین است که در اینجا گفته شد که بدون یک طرز و قاعده ای کسی نمی تواند برود یک دکان پهلوئی دکان کس دیگر باز کند، و یکی دیگر مسأله سرفقلی است که آقای شیروانی فرمودند و حقیقتاً یک درد سری است و البته باید یک فکری برایش بشود و بالاخره قسمت اعظم مناقشات صنفی که اینجا نوشته شده است راجع به مالیاتهای صنفی است که سابق هر ساله اصناف در آخر سال با اطلاع کلانتر می نشستند و مالیاتها را معین می کردند و حالا البته با اطلاع بلدییه این کار انجام میشود و بعد از اینکه ما مالیات اصناف را ملغی کردیم مناقشات صنفی عبارت از همین قضایائی است که در اینجا ذکر شد ولی سایر مناقشات صنفی که عبارت از مسائل حقوقی است البته باید به عدلیه بروید و توضیح هم لازم ندارد و بنده نمی دانم چرا در سر این مسأله یک مذاکرات بی جهتی میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد میکنم فقره ۱ ماده

دوم به این نحو اصلاح شود: تهیه قراردادها راجع به معاملات صنفی.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم در جزء هفتم ماده دوم بعد از کلمه (دارالمجانین) اضافه شود (ودارالعجزه) پیشنهاد آقای فهیمی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم مسائل ذیل اضافه شود:

۱ - تهیه بودجه جمع و خرج بلدی به نسبت عایدات و عوارض نقدی و جنسی بلدی که به موجب قانون وضع میشود.

۷ - مراقبت در امور صحی شهر و دهاتی که در حوزه آنست.

۶ - اقامه دعوی یا مدافعه در محاکم صالحه در مسائل حقوقی که یک طرف آن شهر باشد.

پیشنهاد آقای سهراب خان ساگینیان - بنده پیشنهاد میکنم در آخر بند ۶ اضافه شود: و تعیین وسائل برای آراستگی تدریجی شهر.

رئیس - به کمیسیون ارجاع میشود. اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید).

رئیس - پیشنهادات آقایان رفیع و زوار و معظمی هم به کمیسیون فرستاده میشود. ماده سوم مطرح است.

(ماده مزبور به شرح آتی قرائت شد)

ماده ۳ - اراضی کوچه ها، میدانها، باغها، پیاده روها، معابر، رودخانه ها، سواحل رودخانه ها، زیرابها و غیره و هر چه متعلق به شهر است محل استفاده عموم می باشد.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - عبارت این ماده به نظر بنده وافی به مقصود نیست زیرا به طور مطلق نوشته شده است «اراضی کوچه ها و باغها و رودخانه ها و غیره» در صورتیکه هر یک از اینها تقسیم میشود به خاص و عام، کوچه خاص محل استفاده عموم نمی تواند بشود زیرا آن کوچه مالک آن شخص است که وصل به خانه اش است و همین طور در غالب شهرهای کوچک که رودخانه از کنار یا از وسط شهر عبور می کند سیاه آن هم مالکین است که در اطراف آن رودخانه سلک دارند و هیچ مربوط به شهر نیست بنابراین چون عبارت ناقص است بنده پیشنهاد کردم که لفظ عمومی بعد از این کلمات اضافه شود حتی باغات و سایر چیزها.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - مخالفم.

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای روحی.

روحی - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - اگر آقای یاسائی توجه نفرمایند در آخر این ماده نوشته شده است: (و هر چه متعلق به شهر است) البته اگر یک ملک خاصی باشد و یا مالک خاصی داشته باشد متعلق به شهر نیست و وقتی متعلق به شهر باشد متعلق به عموم خواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم به اعضاء محترم کمیسیون و آقای معاون وزارت داخله تذکر بدهم که این ماده در اینجا جایش نیست. برای اینکه ما وقتی که در اینجا می نویسیم (بلدییه) مقصود بلدییه مملکت خردمانست و در واقع بنده به مجرد اینکه بلدییه می گویم چشمم باز میشود به بلدییه موجود یا بلدییه ای که سر جای این باشد و این طوریکه در این ماده نوشته شده است در واقع دیگر چیزی باقی نمی ماند در صورتیکه چیزی در شهر ما نیست که مالک نداشته باشد. مثلاً باغهای این شهر بر دو قسم است یا دولتی است یا شخصی. اگر دولتی است که مأمورین مالیه نمی گذارند کسی از آنجا عبور نماید. اگر هم شخصی است که من رفقه ام زحمت کشیده ام و یک باغی درست کرده ام هیچوقت نمی گذارم مورد استفاده عموم واقع شود. و همین طور ساحل رودخانه ها. ساحل رودخانه آنجائی است که آن کسی که نزدیک آن است رفقه است و غرس اشجار کرده است. این چه ربطی به عموم دارد؟! همینطور سایر چیزها بنابراین بنده اصلاً با ذکر این ماده مخالفم، زیرا هر چه فکر می کنم یک چیزی که موضوع متعلقه به شهر باشد در اینجا نیست. در شهر ما که پایتخت ایران است چه چیز آن متعلق به شهر است؟ بله میدان ماهفروشها یا میدان امین السلطان گرچه آن هم متعلق به اشخاص است بالاخره بنده می بینم که این ماده هیچ فایده ای ندارد مگر اینکه یک اشکالی هم متوجه میشود که شاید خواسته باشند در اسلاک خصوصی ملاحظات عمومی هم شده باشد مخصوصاً آقای یاسائی خوب فرمودند، کوچه خاص متعلق است به همان اشخاصیکه خانه شان در آن کوچه است و همچنین سایر چیزها. دیگر اینکه در اینجا که بیان وظائف بلدییه را میکنیم یعنی امریکه در تحت نظر بلدییه اداره میشود و وظائفی را که بلدییه دارد، آنوقت بیائیم و یک همچو کاری بکنیم چه معنی دارد؟! این است که با اساس این ماده بنده مخالفم و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام و عقیده ام این است که این ماده بروید بکمیسیون و تجدید نظر درش بشود. این بود عرایض بنده.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - یک جمله ای را متذکر میشوم با آقایان و آن این است که این لایحه شور اولش است و حتماً تجدید نظر خواهد شد. چه توقع ارجاع بکمیسیون بشود چه نشود، و پیشنهاداتی هم که آقایان تقدیم میکنند همه بکمیسیون می آید و ثانیاً با این مواد تحت شور قرار میگیرد و راپرت ثانوی که آمد بمجلس آنوقت رأی قطعی گرفته میشود، و بهمین دلیل هم مقام ریاست در این پیشنهادات رأی نمیگیرند و احاله میدهند بکمیسیون اما راجع باین کلمه باغها و غیره، خیال میکنم باغهای ملی و عمومی بود و این جمله یا در



طبع ویا درضمن نوشتن راپرت اشتباه شده است. اما اراضی و کوچها چه خاص باشد و چه عام بلدی باید در اینها نظارت کند و تمیز نگاهدارد. یک کوچهای که خاص است نمیشود مزبله دان کرد که کثافات را در آنجا بریزند و تولید امراض بکند و راجع باغات هم آن باغهایی که در شهر هست و ملی است هیچ. و اگر هم شخصی باشد و یک «دریاچه‌هایی» داشته باشد که تولید امراض بکند باید بلدی در تحت یک قواعد و قوانینی از آنها جلوگیری کند ما اگر خواسته باشیم بلدی داشته باشیم و وسائل آسایش مردم شهرتشان را فراهم کنیم باید اجازه بدهیم که بلدی در کوچها و میدانها و معابر خصوصی و عمومی و سواحل رودخانهها اعمال نظر کند. و کثافتش را پاک کند و اگر غیر از این باشد بلدی معنی ندارد.

رئیس — آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی — توضیحاتی که نماینده محترم دادند با مفاد این ماده بکلی تباین دارد. نظارت غیر از تعلق است تمام اینهایی که ذکر شده نوشته متعلق بشهر است محل استفاده عموم است. چنانچه مینویسد: اراضی کوچها، میدانها، باغها، پیاده‌روها معابر، رودخانه‌ها، سواحل رودخانه‌ها، زیرابها و غیره هرچه متعلق بشهر است محل استفاده عموم میباشد و اگر ما بخواهیم این ماده را تصویب کنیم بعقیده بنده ما دخالت در خیلی چیزها که وظیفه بلدی نیست کرده ایم. ولی البته اگر بگوئیم نظارت در معابر اعم از خصوصی و عمومی یا نظارت در باغها و رودخانه‌ها و سواحل آن از وظائف بلدی است، این صحیح است و در واقع همان توضیحی است که آقای حائری زاده دادند ولی این ماده با توضیحی که ایشان دادند هیچوجه تناسبی ندارد زیرا تمام چیزهایی که ممکن است که ثلث مال مردم باشد ما میگوئیم محل استفاده عموم است و نمیگوئیم در تحت نظارت بلدی است. مثلاً مجرای آب مال یک شخصی است در اینجا نوشته شده محل استفاده عموم است و بالاخره بنده تصور میکنم از این ماده سهیم هزارسوء استفاده بشود کرد و البته باید اصلاح شود.

ضیاء مخیر کمیسیون — بنده توجه آقایان را جلب میکنم باینکه اساساً این ماده با کمال قوت در قانون مصوب بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۰ مصرح است هیچ تغییری در این ماده داده نشده. اصل ماده این است

ماده ۵ — اراضی کوچها - میدانها - باغها - پیاده‌روها معابر - رودخانه‌ها - سواحل رودخانه‌ها - زیرابها و غیره هر چه متعلق بشهر است محل استفاده عموم است. مادامیکه این قانون نسخ نشده است. این ماده بقوت قانونی خودش باقی است و در آخرین قانون هم یک ماده ایست که قانون مصوب بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۰ نسخ و الغاء خواهد شد و البته آقایان متوجه هستند که این قانون شور اولش است و یک قانونی است که در دوره چهارم و دوره پنجم مورد مطالعه تمام کمیسیونهای داخله واقع شده. دولت هم در این خصوص یک توجه خاصی داشته است و نماینده وزارت داخله هم یک صدقه مخصوص نسبت به این

قانون نشان داده است. برای چه؟ برای اینکه بلدی (که یکی از مهمترین آثار ملی است و تمام مشروطه طلبها نسبت به این قبیل اصلاحات بیعلاقه بوده‌اند از این حالت فعلی بیرون بیاید. کمیسیون هم دقت کرده است که برای شور اول هرچه زودتر این لایحه تقدیم مجلس شود و آقایان مطالعه مینمایند و نظریات خودشان را در ضمن مواد پیشنهاد و تقدیم مقام ریاست میکنند و به کمیسیون مرجوع میشود آنوقت تمام آقایانی که پیشنهاد کرده‌اند میتوانند به کمیسیون تشریف بیاورند و با حضور نماینده وزارت داخله نظریاتشان را اظهار مینمایند تا در موقع شورثانی یک قانونی که از نظر همه آقایان گذشته است به مجلس بیاید و تصویب شود.

رئیس — پیشنهادات واصله قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب - مقام محترم ریاست. پیشنهاد میکنم ماده سوم حذف شود.

رئیس — پیشنهاد آقای آقامیرزا زایدالله خان هم در همین زمینه است سایر پیشنهادات قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای یاسائی — مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی. پیشنهاد میکنم در ماده سوم بعد از کلمه کوچها و غیره کلمه (عمومی) اضافه شود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری — مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی — پیشنهاد میکنم کلمه عمومی بعد از لفظ باغها زیاد شود. پیشنهاد آقای میرسمتاز — مقام محترم ریاست مجلس. بنده پیشنهاد میکنم بعد از و غیره نوشته شود آنچه به مالک و متعلق به شهر است محل استفاده عموم است.

پیشنهاد آقای عدل — بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ لفظ سواحل رودخانه‌ها حذف شود.

ایضاً پیشنهاد آقای عدل — پیشنهاد میکنم پس از لفظ میدانها و باغها نوشته شود عمومی.

پیشنهاد آقای شیروانی — پیشنهاد میشود بعد از جمله متعلق به شهر است اضافه شود تحت نظارت بلدی.

پیشنهاد آقای حقلویس — این جانب پیشنهاد میکنم کلمه باغها و کلمه سواحل رودخانه‌ها از ماده سوم حذف شود.

رئیس — پیشنهادات به کمیسیون ارجاع میشود. ماده چهارم قرائت میشود.

(به شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۴ — عوارض و عایدات بلدی به مصرف شهر میرسد و متصدی وصول و خرج آن بلدی است.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — این ماده به ترتیبی که نوشته شده است خوب است ولی ما یک قانونی در دوره پنجم گذراندیم و یک عوایدی را از محل دیگر اختصاص دادیم برای بلدی و حالا نمیتوانیم بگوئیم آن عوارض و عایدات مربوط به بلدی نیست زیرا ما در آنجا قید کردیم به بلدی داده شود. حالا در اینجا نوشته شده «و متصدی

از وظایف مجلس است یا از حقوق اعضاء انجمن بلدی است یا از حقوق وزارت داخله است و باید توضیح بدهند که تعیین این حدود با کیست و کجا باید این حدود معین شود.

معاون وزارت داخله — حدود را بطور کلی درین جا نمیشود معین کرد برای اینکه هر شهری یک وضعیتی دارد و تا یک حدود معینی بلدی میتواند سراقبت نماید و به هیچ وجه نمیشود در تحت یک اصل کلی درآورد و گفت تا چقدر فاصله اطراف شهر حوزه بلدی آن شهر است. چیزی که هست در تعیین حدود و ترسیم نقشه آن بایستی دقت کرد که ما هم پیش‌بینی کرده‌ایم که باید انجمن بلدی با موافقت حکومت حدود را تعیین کند و وزارت داخله هم تصویب کند.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — ماده شش شش قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ — منابع انحصارات و امتیازات شهری و منافع حاصله از آنها به بلدی اختصاص دارد و به مباشرت مستقیم یا نظارت بلدی اداره نمیشود.

ماده ۷ — علامت مخصوص بلدی عبارتست از: دورنمای دروازه که نقشه شیر و خورشید با شمشیر در جلو آن روی کلید ایستاد باشد و بلدی هر شهر مهر مخصوصی به نام آن شهر خواهد داشت.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — با ملاحظه سوابق و قوانین و نظاماتی که قبل از تصویب این قانون بوده است تصور میکنم که اینها در عمل اشکالاتی تولید میکنند و بهتر این است که ما در موقع تدوین قانون اینها را پیش‌بینی کنیم و قیدهایی بشود مثلاً نوشته شده منابع انحصار و امتیازات شهری با بلدی است و اگر عوایدی هست که مربوط به شهر است بلدی وصول کند. این درست، ولی امتیاز و آگون شهری طهران را بلدی نداده است و دولت داده است و بالاخره این ترتیبی که در اینجا ذکرش با آن چیزهایی که در سابق مقرر بوده منافی است. همینطور مسأله چراغ برق طهران و سایر چیزها و بنده تصور میکنم که درین ماده یک اصلاحاتی بشود که دولت در آن مذابع مداخلاتی نکند و منحصر شود به بلدی.

رئیس — آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده — اگر مراجعه بفرمایند به ماده سی و سوم که اسرار راجعه به انجمن بلدی را تشخیص میدهد در آن ماده اینها پیش‌بینی شده است و وظائفش هم معین شده است و بدیهی است طرح این قبیل لوایح را خود شهر باید بکند زیرا غیر از این باشد فلسفه ندارد و همین‌طور مسأله اتوبوس رانی که کمیسیون راپرتش را داده است البته یکی از صنایع شهری است و مملکت در آن دخالت ندارد و یک شهر خاصی دخالت دارد زیرا در کوچها و خیابانهای طهران که عبور میکند خانه‌های مردم طهران را خراب میکند خانه‌های شهر رشت را خراب نمیکند که و کلای آنها بنشینند و قضیه را حل کنند. بعضی چیزها هست که در قانون اساسی اختیارات را از شهرها گرفته است و حقاً هم بایستی آن اختیارات گرفته شود

وصول و خرج آن بلدی است» در صورتی که متصدی وصول آن مالیات مالیه است لهذا بنده خیال میکنم که بایستی این ماده را اصلاح بفرمایند که منافاتی با آن قانون نداشته باشد.

رئیس — آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده — اصلاً بلدی چند نوع عایدی ممکن است داشته باشد، مثل مالیات نواقل که بیشتر در تحت نظر بلدی بود و بلدی آنرا وصول میکرد، بعد مجلس پنجم صلاح دانست که آنرا مالیه وصول کند و در مقابل یک معامله با بلدی‌ها کردند که آنها از این قبیل مالیاتها چشم‌پوشند و دولت از عایدات خودش به بلدی‌ها بدهد و منافاتی هم با این ساده ندارد در اینجا هم نمیتوسد که چون دولت به بلدی‌ها دستی بده است باید عایدات دولتی را بلدی وصول کند، چنین چیزی را ما در اینجا ننوشته‌ایم و آن قانونی هم که آقای یاسائی فرمودند به قوت خودش باقیست و تزلزلی در آن پیدا نشده ولی یک عوارض شهریست که ممکن است بلدی بوسیله وزارت داخله پیشنهاد کند و مجلس هم تصویب کند و آن عبارت از این است که هر شهری برای خودش یک عوارض پیش‌بینی کند مثلاً بعضی شهرها کنار رودخانه است بعضی کنار جنگل است و بعضی معبر قوافل است ممکن است برای خودشان از این چیزها یک رقم عایدات پیش‌بینی کنند آنوقت آن عایدات را دولت نباید جمع‌آوری کند زیرا عایدات شهر را باید خود شهر جمع‌آوری کند و دخل و خرجش را انجمن بلدی باید تصویب کند و هیچ منافاتی هم با آن قانون ندارد و آقای یاسائی هم ممکن است نظریه خودشان را پیشنهاد بفرمایند و در کمیسیون صحبت شود.

رئیس — آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی — موافقم.

رئیس — آقای محمودولی میرزا. (اجازه)

محمودولی میرزا — موافقم.

رئیس — آقای بامداد. (اجازه)

بامداد — موافقم.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — ماده پنج قرائت میشود.

(به طریق ذیل خوانده شد)

ماده ۵ — حوزه بلدی عبارتست از شهر و اطراف آن تا حدود معینه و تعیین و تغییر حوزه بلدی هر شهر با پیشنهاد اداره بلدی و موافقت حکومت و تصویب انجمن بحکم وزارت داخله خواهد بود.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده میخواستم به آقای مخیر و آقای معاون وزارت داخله تذکر بدهم که عبارت این ماده مجمل است و بنده نظرم این بود که لا اقل در اینجا معین نمایند که شهرهای معظم چقدر و شهرهای کوچک غیر معظم چقدر و کرسی ایالت چقدر و کرسی ولایت چقدر و مرکز پایتخت چقدر و تا چه حدود حوزه بلدی‌شان خواهد بود و بالاخره باید معین شود که تعیین اینها

مثلاً اگر خواسته باشند انحصاری به شعبه خارجی بدهند این قبیل مسائل چون به حیات مملکتی بسته است باید مجلس شورای ملی در آن نظر داشته باشد ولی چون عوائدش مربوط به شهر است و ضررش هم متوجه شهر میشود باید مناقعش عاید آن شهر بشود همین طور واگوونها و چراغ برقیهای شهری باید عایدانش بخود شهر برسد حالا جریانش اگر مربوط بداخله است باید به توسط وزارت داخله باشد و اگر اتباع خارجه هستند بایستی با مجلس باشد و اینها یک مباحث علیحده است و البته هیچ تردید ندارد که منافع اینها بایستی به همان شهر عاید شود زیرا مضارشان متوجه آن شهر میشود.

رئیس - آقای شریعت زاده. (اجازه)

شریعت زاده - از نظرتان نظر مفهوم کلی که این ماده دارد و راجع است باختصاص منابع انحصارات و امتیازات شهری به بادیه نمیتوان مخالفت کرد ولی نظر آقای یاسائی نماینده محترم این بود که باید سعی کرد که همیشه تماس و اصطکاکهایی که در نتیجه تشخیص مفاهیمی که ممکن است به آن واسطه بین مؤسسات مملکتی واقع شود جلوگیری کرد و بنده معتقدم که باید در این ماده تصریح شود که امتیازات اختصاصی به شهر از چه قبیل است و اگر تشخیص نشود ممکن است امتیازات دیگری که یک مؤسسه دیگر مملکت آن را مشمول این ماده نداند بلدی به بخواند در آن دخالت کند، آن وقت این اختلافات را کمی رفع میکند؟ بنابراین هیچ دلیلی ندارد که ما به طور کلی در قانون یک چیزهایی را بنویسیم که در آتی به اسباب زحمت شود و البته چون مشکل نیست و آقای معاون وزارت داخله هم اطلاعاتشان خوبست بهتر این است این قبیل مسائل را تعیین کنند.

معاون وزارت داخله - البته اگر محتاج بتوضیح باشد توضیح داده خواهد شد. ضرری هم ندارد ولی این اصلی که در اینجا نوشته شده است خوب مطلب و موضوع را تعیین میکند که امتیازات و انحصارات شهری مثل تراموای شهر مثل چراغ برق شهر اینها یک منابعی است که ممکن است موضوع امتیازات و انحصارات واقع شود و مسلم است که اینها راجع بعموم مملکت نیست و راجع بشهر است و با وجود این اگر محتاج بدانند که یک ذکری هم از نوع این امتیازات و موضوعات بشود هیچ اشکالی ندارد و البته احتیاطاً ذکر میکنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؟

رئیس - ماده هفت قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده هفت - علامت مخصوص بلدی عبارتست از دورنمای دروازه که نقشه شیر و خورشید با شمشیر در جلو آن روی کلید ایستاده باشد و بلدی هر شهر مهر مخصوصی بنام آن شهر خواهد داشت

رئیس - آقای فرشی (اجازه)

فرشی - این موضوع دروازه که اینجا نوشته شده مناسبتی ندارد و بنده عقیده ام این است که یکی از آثار تاریخی ایران باشد با سردرب مجلس شورای ملی. زیرا بعضی شهرها هست که هیچ

معاون وزارت داخله - همانطور که عرض کردم با اداره امنیه اخطار شد که یا در این اراضی دخالت ننمایند یا اینکه سوجبات رضایت مالکین را بعمل بیاورند و یک توضیحاتی هم داده اند و فعلاً مشغول مذاکره با آنها هستند در این صورت تصدیق میفرمائید که اقدام شده و تعقیب خواهد شد.

رئیس - آقای ساک مدنی سؤالی دارید؟

ساک مدنی - خبر در موضوع این صدنیم معارف که آقای وزیر معارف اظهار کردند این برخلاف آن قانونی است که گذشته، مثلاً در ولایت ما الان شروع کرده اند بگرفتن این مالیات حالا پس از اینکه گرفتند بخواهند برای جای دیگر تخصیص بدهند اینکه نمیشود! ملایر و تویسرکان صدنیم معاف بدهند آنوقت بمصرف خراسان برسد! بعقیده بنده این برخلاف قانون است و مجلس هم نباید همچو موافقتی بکند.

رئیس - جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر، دستور اولاً قانون بلدی، ثانیاً اتوبوس رانی.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - سید محمد تدین

منشی - امیر تیمور کلای منشی -

تأسیسات محلی بکنند. ولیکن من حاضر هستم که هده السنه مبلغ صد هزار تومان از این بابت بدهم یعنی پنجاه هزار تومان از بابت هده السنه و پنجاه هزار تومان از بابت سنه آتی که شروع بشود بتأسیس مدارس ولایات و بعد در سال بعد هر قدر شد بموجب صورت حساب میکنیم اگر صدنیم زیاد تر شد محسوب میکنیم و اگر کسر شد کسر میگذاریم و فعلاً بنده مشغول هستم برای تهیه مقدمات آن و البته لایحه آن صد هزار تومان بمجلس خواهد آمد و مجلس شورای ملی هم تصویب خواهد فرسود و از روی آن صد هزار تومان هم یک صورتیکه تقسیمات جزء آن معین شده باشد یعنی برای هرجائی چقدر، آنرا هم تقدیم مجلس میکنیم که پس از تصویب شروع شود.

رئیس - آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده - بنده چندی قبل سؤالی از وزارت داخله راجع باراضی که جنب اداره امنیه است کرده بودم که بدون جهت تصرف کرده اند و آقای معاون وزارت داخله فرمودند «تحقیق میکنم در صورتیکه صحت داشته باشد جلوگیری میکنیم» و تا بحال هیچ اقدامی نکرده اند و اراضی یکعده صغیر بدون جهت در تصرف اداره امنیه است، استدعا میکنم در این موضوع اگر تحقیقاتی کرده اند جواب بدهند.

دروازه ندارد بنابراین بنده معتقدم که بایکی از اینها تاریخی مثل تخت جمشید باشد و یا سردرب مجلس شورای ملی. دروازه معنی ندارد.

رئیس - آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - مقصود ازین علامت این است که یک نماینده باشد برای هویت بلدیها و بنده تصور میکنم که بهترین چیزی که شهر را تظاهر میدهد همان دروازه است و تصدیق میکنم که بعضی شهرها دروازه ندارد ولی بطور کلی معلوم است که مقصود از دروازه اینست که علامت شهر است و بالاخره برای بلدی بهترین علامت همین علامت است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است. آقای وزیر معارف فرمایشی دارید؟

وزیر معارف - دو فقره تجدید کنترات دوتفر از معلمین مدرسه حقوق است که در دوره سابق بکمسیون رفته بود و تمام هم شده بود و چون مجلس در شرف اختتام بود همین طور ماند عاجلاً تقدیم میشود که تصویب شود.

رئیس - بکمسیون بودجه و معارف و خارجه فرستاده میشود.

آقای بیات

بیات - بنده سؤالی از وزارت معارف کرده بودم خواستم ببینم اگر ممکن است جواب بدهند والا بماند برای جلسه بعد.

رئیس - بفرمائید.

بیات - راجع بقانون ممیزی اسلاك که در دوره پنجم گذشت یک صدنیم برای تأسیس مدارس ابتدائی در بلوکات و دهات در آن قانون مقرر شد و ازقراری که بنده اطلاع دارم در بعضی قسمتها آن قانون بموقع اجرا گذاشته شده است. چون مدت آن را مجلس دو سال قرارداد بود وزارت مالیه بطور تبعیض آن قانون را در بعضی نقاط شروع باجرا کرده. بعضی جاها اجرا شده و بعضی جاها نشده، خواستم از آقای وزیر معارف سؤال کنم که آن مبلغی که وصول شده بچه صورتی است و در چه موقعی درصدد هستند آن مدارس را افتتاح کنند و بالاخره نقشه را که برای اجرای این کار کشیده اند چیست و از چه تاریخ آن وجهی که گرفته میشود بمصرف میرسد و این مدارس افتتاح میشود یا خیر.

وزیر معارف - در چندی قبل همان طور که اظهار فرمودند

راجع بصدنیم که مجلس شورای ملی برای مدارس ابتدائی هرجائی تخصیص داده است خود بنده با دکتر میلیسپو مذاکره کردم و تقریباً همین بیاناتی را که آقای بیات فرمودند گفتم که بیگویند در بعضی جاها شروع شده است بگرفتن آن مالیات جدید که صدنیم هم جزء آنست و بنابراین لازم است وزارت معارف از حالا تهیه ترتیب آن مدارس را بدهد که این وجوهیکه اخذ میشود در محل خودش بمصرف برسد، آقای دکتر میلیسپو گفتند: بله در بعضی جاها شروع شده ولی بطور عموم نیست و از حالا نمیتوانیم مبلغی که از این راه حاصل میشود بطور کلی بگوئیم چه مبلغ خواهد بود که برطبق آن وزارت معارف بتواند یک